

تحلیل جرم شناسی ازدواج سفید در نظام کیفری ایران

کیانا اسدی^۱، ارسلان کوشا^۲

^۱ دانش آموخته کارشناسی ارشد گروه حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نورآباد ممسنی، ایران

^۲ استادیار و هیات علمی گروه حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نورآباد ممسنی، ایران

چکیده

زمینه و هدف: پژوهش حاضر با هدف تحلیل جرم شناسی ازدواج سفید در نظام کیفری ایران انجام گردید ازدواج سفید در نظام کیفری ایران به عنوان زنا تعریف شده و با مجازات‌های شدیدی همراه است. این پدیده که به همزیستی بدون عقد شرعی یا قانونی اشاره دارد، از منظر جرم‌شناسی نشان‌دهنده تعارض بین قوانین شرعی و واقعیت‌های اجتماعی-اقتصادی است. یافته ها: ازدواج سفید به عنوان یک پدیده اجتماعی و فرهنگی در چند سال اخیر در ایران مورد توجه قرار گرفته است. این نوع ازدواج که ریشه‌های آن در جوامع غربی است، به‌صورت همزیستی بدون قصد زوجیت و خارج از چارچوب شرعی و قانونی انجام می‌شود. در این نوع روابط، طرفین اعتقادی به ازدواج شرعی و قانونی ندارند و ضوابط و شرایط ازدواج صحیح رعایت نمی‌شود. نتایج: ازدواج سفید از منظر جرم‌شناسی به عنوان یک پدیده مجرمانه در نظر گرفته می‌شود که می‌تواند امنیت روحی و روانی شهروندان را خدشه‌دار کند. این پدیده به‌طور غیرمستقیم و در لایه‌های زیرین اجتماع رخ می‌دهد و در چند سال اخیر به‌ویژه در بین افراد دارای تحصیلات رایج شده است. در بررسی حقوقی ازدواج سفید، به نکات فراوانی از جمله تدلیس، زنا، طفل نامشروع، و جرائم منافی عفت برمی‌خوریم که در قانون مجازات اسلامی دارای قوانین خاصی هستند. ازدواج سفید به‌عنوان یک پدیده مجرمانه در نظام کیفری ایران، می‌تواند به‌طور جدی امنیت روحی و روانی جامعه را تهدید کند. با درک عوامل گرایش به این پدیده و اتخاذ راهکارهای مناسب برای پیشگیری از آن، می‌توان به کاهش این نوع روابط کمک کرد. در نهایت، حمایت از ازدواج رسمی و ترویج ارزش‌های دینی و فرهنگی در جامعه می‌تواند به تشکیل خانواده‌های سالم و پایدار منجر شود.

واژگان کلیدی: جرم شناسی، ازدواج سفید، همخانگی، نظام کیفری ایران

مقدمه

نهاد خانواده متناسب با سرشت انسانی و پاسخی به نیازهای عاطفی و جسمانی انسان است. قدمت و پیدایش آن با پیدایش بشر مؤید فطری بودن آن می باشد. خانواده به منزله مهم ترین واحد تشکیل دهنده جامعه همواره سهم مهمی در گفتمان فکری و اجتماعی داشته است. تمام ادیان الهی و غیرالهی درباره خانواده احکام و تعالیم مشخصی دارند همچنین یکی از ارکان اسطوره های تاریخی خویشاوندی خانواده است. در سال های اخیر ورود مدرنیته به ایران علاوه بر تأثیرات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی بر جامعه، ساختار و روابط درون خانواده را نیز تغییر داده است. این تأثیرات بر خانواده های ایرانی در دو بعد کارکردی و ساختاری قابل توجه است. در بعد ساختاری، تبدیل خانواده گسترده به هسته ای و تشکیل الگوهای جدید خانواده همچون خانواده تک والد، خانوارهای تک نفره، هم خانگی و... از جمله تغییرات بوجود آمده است. در بعد کارکردی نیز برخی از کارکردهای خانواده به نهاد اجتماعی واگذار شده است. اگر چه مدرنیته تبعات مثبتی از جمله از میان رفتن بسیاری از سنت های غلط و دست و پا گیر را به همراه داشته است اما تبعات منفی آن از جمله افزایش آسیب های اجتماعی همچون طلاق، تأخیر سن ازدواج، روابط خارج از چارچوب و... به حدی است که بر سایر تبعاتش سایه می افکند.

این آسیب ها به همراه نفی سنت ها و ارزش های عرفی و قانونی، آزادی در روابط، وجود شکاف های بین نسلی و کاهش نظارت والدین بر فرزندان موجب انتخاب سبک های جدید و متنوع زندگی بدون توجه به عواقب آن در طولانی مدت شده است. یکی از این سبک های جدید پدیده ای موسوم به ازدواج سفید^۱ یا هم خانگی است که در دهه های اخیر موجبات نگرانی را در بسیاری از خانواده ها و نیز جامعه شناسان و سایر سیاست گذاران حقوقی و اجتماعی برانگیخته است. تا جایی که جامعه ایرانی- اسلامی به دلیل تناقض این پدیده نوین با سنت های دینی و فرهنگ عرفی، به شدت در برابر آن واکنش نشان داده است.

ازدواج سپید برگرفته از معادل فرانسوی آن به معنای یک ازدواج ناتمام یا غیرکامل می باشد. یک ازدواج ثبت شده بدون ارتباط واقعی ازدواج (بدون رابطه جنسی) که با اهداف اقتصادی، اجتماعی یا حقوقی از جمله گرفتن کارت اقامت و ویزا یا کمک به یکی از طرفین ازدواج برای فرار از مجازات، تعقیب یا شکنجه و آسیب و... صورت می پذیرد. نام ازدواج سپید احتمالاً ریشه در سفید بودن ملحفه شب اول ازدواج داشته است.

اولین تعریف دانشنامه ای برای پدیده ازدواج سفید در ایران یا هم خانگی بدین شرح است: ازدواج سفید سبکی از زندگی مشترک است که در آن دو نفر بدون ازدواج رسمی که در مدارک تشخیص هویت قید شود، با یکدیگر زندگی مشترک تشکیل می دهند و طبیعتاً همچون همسران رسمی و عقدی با یکدیگر رابطه جنسی و عاطفی برقرار می کنند این پدیده نخستین بار در آمریکا در پی جنبش آزادی تن پدیدار شد که با هدف ایجاد تغییراتی در نظام اجتماعی، اقتصادی، سیاسی جامعه آمریکا صورت پذیرفت و مقصود آن برقراری شرایط عادلانه و مساوی برای زنان و مردان اما آنچه واقعاً اتفاق افتاد، پدیده ای بود که بعدها انقلاب جنسی نام گرفت و نتیجه آن رفتارهای ناپهنجار و بی بند و باری هایی بود که به غلط آزادی زنان نام گرفت.

براساس آمار رسمی به دست آمده توسط مرکز ملی آمار آمریکا از سال ۱۹۶۰ تا سال ۲۰۰۰، تعداد زوج های ازدواج نکرده ای که با هم زندگی می کنند، ۱۰ برابر شده است و اکنون زندگی بدون ازدواج به مرحله عادی در روند آشنایی دو فرد تبدیل شده است.

پدیده ازدواج سفید در ایران اولین بار در سال ۱۳۹۸ مطرح شد که طی آن در طرح امنیتی اجتماعی نیروی انتظامی مشخص شد در برخی از مناطق تهران خانه های سفید وجود دارد که در همان سال آمار حدود ۱۵۰۰۰ خانه سفید اعلام گردید.

پدیده هم خانگی را شاید بتوان به نوعی از جمله جرایم بدون بزه دیده نامید زیرا رفتار موضوع آن را افرادی انجام می دهند که از شرکتشان در جرم شکایتی ندارند و آسیب مستقیمی هم نه علیه دیگران و نه علیه شرکت کنندگان در رفتار موصوف وارد نمی کنند. رابطه هم خانگی در تعریف حقوقی، شرعی، عرفی ازدواج قرار نمی گیرد و از آن جایی که قانون این رابطه را به رسمیت نمی شناسد پس طبیعی است که حمایتی از آسیب دیدگان آن نمی کند. زیرا فردی که بطور خودخواسته وارد چنین رابطه ای می شود بر مبنای قاعده اقدام هر ضرری را که متحمل شود نیز خود خواسته است.

از جمله علل و زمینه های وقوع این پدیده می توان به استقلال نسبی جوانان، بالا رفتن سن ازدواج، گریز از مراسم سنتی ازدواج، تهاجم فرهنگی، کمرنگ شدن باورهای مذهبی و اخلاقی، سنت های غلط ازدواج، هزینه های کمرشکن اقتصادی، تنوع طلبی جوانان، ترس از طلاق و ناهمخوانی اخلاقی جوانان و... اشاره کرد. توجه به این پدیده از جهاتی چند حایز اهمیت است:

۱- گسترش این پدیده می تواند منجر به احساس فریب خوردگی برای دختران گردد زیرا آنها خود را برای یک زندگی جدی مهیا ساخته و با به هم خوردن رابطه باورهای آنها به هم می ریزد.

۲- عدم وجود امنیت روانی از دیگر ویژگی های مهم این رابطه و به هم خوردن آن خصوصاً برای دختران و زنان می گردد.

۳- گسترش این پدیده در حالی است که برای فرزندان و بارداری های احتمالی هیچ پیش بینی نشده است و همین امر خود بر میزان فرزندان و کودکان نامشروع و همچنین آمار سقط جنین های غیرقانونی و مرگ و میر ناشی از آن می افزاید.

۴- احتمال وقوع سوء استفاده این دسته زوج ها از یکدیگر و وقوع حملات جسمی نسبت به زوج هایی که ازدواج کرده اند، بسیار رایج تر و شدید تر است.

۵- مشکلات روانی از جمله افسردگی و اضطراب در میانزوج ها خصوصاً برای خانم ها بیشتر است.

۶- بالا رفتن آمار طلاق، کم کردن اشتیاق به ازدواج و... از جمله دلایل مخرب و حایز اهمیت است که شیوع این پدیده را در جامعه ایجاد می کند.

با این حال ضمن این که این پدیده را نباید دست کم گرفت اما باید اذعان داشت که خوشبختانه این پدیده معضلی است که صرفاً در مناطق خاصی قابل رویت بوده و به این معنا معضل و مشکلی است مربوط به خرده فرهنگی خاص و نه لزوماً بحران سراسری. بنابراین باید در فرصتی مناسب آن را دفع کرد تا نتواند دارای پایگاه اجتماعی گردد. مقابله با این پدیده راه حل های متفاوتی دارد که در بردارنده تمام ابعاد فرهنگی، اقتصادی و... می شود. از جمله این راه حل ها می توان به وضع قوانین جدید پیرامون مدیریت ساختمان ها، وضع قوانینی جهت بومی سازی تحصیل در محل زندگی برای دختران، ایجاد راهکارهای اقتصادی جهت سهولت ازدواج، آگاه سازی معایب هم خانگی در مدارس و دانشگاه ها، برخورد تأمینی و کیفری علنی با مرتکبین فساد هم خانگی اشاره کرد.

ب) پیشینه پژوهش

به دلیل نو و تازه بودن موضوع در ایران به غیر از تعداد مختصری مقاله در سایت های اینترنتی و تعدادی همایش، مطالب مدون در قالب کتاب موجود نمی باشد.

در پژوهش حاضر تلاش می شود از مطالعات تحقیقی و میدانی که توسط اساتید و پژوهشگران حوزه جامعه شناسی صورت گرفته کمال بهره برده شود که می توان راهگشا و نشان دهنده مسیر در ادامه تحقیق گردد.

مقاله خانم زهرا داور بعنوان پژوهشگر حقوق زنان در پایگاه اطلاع رسانی و خبری جماران با کد خبر ۶۰۳۷۱ به تاریخ ۹۳/۰۷/۱۵، گزارش روزنامه ابتکار درخصوص پدیده ازدواج سفید به تاریخ ۹ اردیبهشت ۹۴، گزارش گروه اجتماعی چمران

نیوز در خصوص پدیده موسوم به ازدواج سفید، مجموعه مقالات راجع به ازدواج سفید به شماره ۱۶۵۸۸ به تاریخ ۹۳/۱۰/۲۳، همایش آسیب شناسی ازدواج سفید از منظر جامعه شناسی، روان شناسی و حقوقی ۹۴/۰۲/۱۶ از جمله مقالات و همایش های راجع به موضوع مطروحه است.

گفتار اول: تعریف ازدواج سپید

الف) ازدواج سپید در معنای اولیه و ابتدایی

ازدواج سپید^۱ برگرفته از معادل فرانسوی آن به معنای یک ازدواج ناتمام یا غیرکامل می باشد. یک ازدواج ثبت شده بدون ارتباط واقعی ازدواج (بدون رابطه جنسی) که با اهداف اقتصادی، اجتماعی یا حقوقی از جمله: گرفتن کارت اقامت و ویزا یا کمک به یکی از طرفین ازدواج برای فرار از مجازات، تعقیب یا شکنجه و آسیب و..... صورت می پذیرد.^۲ نام ازدواج سپید احتمالاً ریشه در سفید بودن ملحفه شب اول ازدواج داشته است.^۳

ب) ازدواج سپید در معنای جدید و متأخر

مفهوم کاربرد جدید و متأخر واژه ازدواج سفید نمونه فارسی زبان آن می باشد اصطلاحی برای توصیف زندگی مشترک بدون ازدواج رسمی که در قالب دو تعریف قابل بررسی است:

الف) در تعریف نخست طرفین بدون جاری کردن صیغه عقد دائم یا موقت و فارغ از مراسمات شرعی و عرفی بر اساس توافق و رضایت خود اقدام به ازدواج و تشکیل زندگی مشترک می کنند. اما زوجیت آنها به طور شرعی و قانونی در جایی ثبت نمی شود. این گروه بر این باورند که هر جریانی که نمایان گر زناشویی میان مرد و زن باشد چه از طریق نوشتن، گفتن، اشاره و یا هر طریق دیگری مشروط بر این که دلالت بر انجام ازدواج نماید کفایت می کند و حتی در فرضی که لفظ در انعقاد نکاح شرط باشد.

اختصاص به الفاظ خاص که معمول است ندارد. در واقع لفظ در عقد موضوعیت ندارد. بلکه طریقت دارد و هر اقدامی که مبین اعلام صریح قصد باطنی باشد، صحیح و مصداق انجام ازدواج است. همین امر سبب شد که برخی هم خانگی را قابل انطباق با نکاح معاطاتی برشمرده و قواعد آن را بر این پدیده بار نمایند که جای بسی تأمل است. زیرا نکاح معاطاتی به نکاحی اطلاق می شود که به منظور تشکیل خانواده و حق تمتع و رابطه جنسی بین زن و مرد برقرار می گردد. اما فاقد ایجاب و قبول لفظی است. و ممکن است طرفین بر سایر حقوق از جمله مهریه، نفقه،..... توافق نمایند.^۴

نکاح معاطاتی به نظر اکثر فقهای شیعه مردود و غیرمجاز است. فقهای شیعه نظیر محقق بحرانی، آیت الله العظمی روح الله خمینی و آیت الله مکارم شیرازی و.... با استناد به الزام بر بیان الفاظ در مقام اعلام قصد و اراده صریح طرفین قائل به عدم جواز نکاح معاطاتی هستند. در نقطه مقابل اندک فقهای که بر جواز و صحت نکاح معاطاتی تأکید کرده اند و در اقلیت به سر می برند با استناد به عدم لزوم اجرای صیغه عقد چه به زبان عربی و یا زبان های دیگر و کافی بودن هر عملی که در شرع و

^۱- white marriage

^۲ Bliss, A. J. (1983). Dictionary of foreign words and phrases in current English. Routledge & Kegan Paul

^۳- Ayto, John. Euphemisms. London. Bloomsbury. 1998

^۴ سید باقر، سید بنایی، بررسی نکاح معاطاتی از منظر فقه و حقوق موضوعه، (تهران: فصلنامه تخصصی فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۱۳۹۰)، صفحات ۸۷ - ۱۱۳.

عرف دلالت بر ازدواج نماید، قائل به صحت نکاح معاطاتی هستند. آیت الله صادقی تهرانی از فقهای معاصر و در زمره این قلیل فقها می باشد.^۱

به نظر می رسد حتی در فرضی که قائل به صحت نکاح معاطاتی شویم به هیچ وجه قابل انطباق با هم خانگی نمی باشد. زیرا قواعد حاکم بر ازدواج مانند؛ زوجیت شرعی، نفقه، مهریه، طلاق شرعی در عقد دائم و اتمام یا بذل مدت در عقد موقت، عده و... در ازدواج سپید رعایت نمی شود در حالی که از شرایط لازم در نکاح معاطاتی است.

ب) در تعریف دوم از ازدواج سپید می توان آن را معادل زندگی مشترک بدون ازدواج یا هم باشی یا هم خانگی^۲ دانست. پیوندی به مدت زمان نامعلوم بدون قصد زوجیت و در جهت تأمین منافع اقتصادی و عاطفی.^۳ این تعریف دو گروه از افراد را دربر می گیرد:

دسته اول افرادی هستند که هم باشی یا هم خانگی را تحت عنوان مرحله آشنایی قلمداد کرده تا با شناخت کامل و انتخابی آگاهانه اقدام به ازدواج نمایند. این امر به نوعی یادآور نامزدی های قدیم در ایران است که امروزه به فراموشی سپرده شده است.

در دسته دوم طرفین در مرحله ای فراتر صرفاً به ارضای نیازهای جنسی و عاطفی خود پرداخته و تمایلی به ازدواج ندارند. الگویی از رابطه که بسیاری از تعهدات و شرایط ازدواج را دارد اما از قوانین و سنت ها و محدودیت های آن گریزان است.^۴ در این الگو هم خانگی ازدواج را به حاشیه رانده و جایگزین آن می شود و در قامت ازدواج غیر رسمی خودنمایی می کند. افرادی بی تعهد و بی مسئولیت که هر زمان و بنا به هر دلیلی می توانند از این رابطه خارج و به آن پایان دهند.

گفتار دوم: پیشینه تحقیق

الف) پیدایش هم خانگی و تحولات آن در نقاط مختلف جهان

در چند دهه اخیر نهاد خانواده در جهان تحولات گسترده ای داشته است. تحولاتی که ریشه های آن را باید در انقلاب جنسی^۵ که در اواخر سال ۱۹۶۰ میلادی در کشورهای اروپایی و آمریکایی رخ داد، جستجو کرد.^۶ انقلابی که به تدریج به تغییر گفتمان جنسی و تغییر اساسی در نگرش ها، اخلاق و رفتار جنسی در بسیاری از کشورهای غربی منجر شد.^۷

یکی از مهمترین نتایج انقلاب جنسی در غرب، گسترش روابط جنسی بیش از ازدواج در این کشورها بوده است. روابطی که به تدریج نقاط دیگر جهان را نیز فرا گرفت.^۸ این انقلاب با اسطوره زدایی از روابط جنسی آن را به امری عادی و معمولی تبدیل کرد که به راحتی در «قبل ازدواج» دست یافتنی است. در این دوره ارضای نیاز جنسی از اتکا به «ازدواج» جدا شد. اما گسترش روابط جنسی پیش از ازدواج زمینه را برای تغییرات تعیین کننده بعدی مهیا کرد و در این میان نه تنها به تدریج سن ازدواج را افزایش داد که زمینه های اجتماعی لازم را برای پیدایش الگوهایی همچون هم خانگی فراهم کرد. تغییرات اجتماعی در این دوره جنبه رادیکال تری به خود گرفت. در اوایل انقلاب جنسی هر چند به تدریج سن ازدواج در اروپا و آمریکا افزایش یافته بود، با این حال بسیاری از افراد همچنان ازدواج می کردند. منتها با اندکی تأخیر. اما این همه ی ماجرا نبود و انقلاب

^۱ محمد، صادقی تهرانی، رساله توضیح المسائل نوین، (تهران: انتشارات امید فردا، ۱۳۸۴)، صفحه ۱۸۱.

^۲ Cohabitation

^۳ Pla, A. & C. Beaumel (2010). 'Bilan démographique 2009: Deux Pacs Pour Trois Mariages', Insee Première, No. 1276.

^۴ - آنتونی، گیدنز، کارن، بردسال، ترجمه حسن چاوشیان، جامعه شناسی گیدنز، (تهران: نشر نی، ۱۳۸۶)، صفحه ۲۹۲

^۵ sexual revolution ^۴ Premarital Sex in America: How Young Americans Meet, Mate, and Think about. (۲۰۱۱) Carr, D

^۶ sexual revolution ^۴ Premarital Sex in America: How Young Americans Meet, Mate, and Think about. (۲۰۱۱) Carr, D

^۷ Laduke, A. (2006). Living Through the Sexual Revolution, London: Greenhaven Press

جنسی با گسترش الگوهای هم خانگی، ضربه های سخت تری را این بار نه صرفاً به اسطوره روابط جنسی بلکه به خود ازدواج وارد کرد.

پیدایش الگوهایی از رابطه با جنس مخالف که آن را از سطح مناسبات جنسی پیش از ازدواج نه تنها به سطح عاطفی بلکه به زندگی مشترک بدون ازدواج میان آنها ارتقا داد. الگویی از رابطه که روز به روز بر طرفداران آن افزوده می شود.^۱ یکی از علل گسترش هم خانگی تضعیف بنیان های فلسفی ازدواج در کشورهای غربی بوده است. امروزه در نظر جوانان این کشورها دو مفهوم به تعهد زندگی با یکدیگر و تعهد به ازدواج تفاوت کمی با هم دارند. در حالیکه در دهه ۱۹۶۰ در همه کشورها هم خانگی امری بسیار نادر و کمیاب بود. امروزه در سراسر اروپا و آمریکا به خصوص در میان نسل های جوان تر به طور چشم گیری در حال پذیرش و افزایش است.^۲ در آمریکا در دهه ۱۹۷۰ نزدیک به ۴۰۰ هزار ازدواج در قالب الگوهای هم خانگی زندگی می کردند اما این آمار در دهه ۱۹۸۰ به ۱ میلیون و ۵۰ هزار زوج رسید و در اواخر دهه ۱۹۹۰ از مرز ۴ میلیون گذشت. این در حالی که بر طبق آمارهای سال ۲۰۱۰ بیش از ۷ میلیون زوج (۱۴ میلیون نفر) در آمریکا در قالب هم خانگی با یکدیگر زندگی می کنند. که این رقم در سال ۲۰۱۳ به ۸۰ میلیون نفر رسیده است.^۳

نتایج تحقیقات نشان می دهد احتمال هم خانه شدن زنان ۲۰ ساله ۲۶ درصد، ۲۵ ساله ۵۵ درصد و در زنان ۳۰ ساله در حدود ۷۴ درصد می باشد و احتمال بچه دار شدن در اولین سال هم خانگی در میان سفیدان ۱۳ درصد و در میان سیاهان ۲۴ درصد می باشد هم چنین نتایج نشان داد ۴۸ درصد زنان ۱۵-۴۴ ساله درگیر رابطه هم خانگی می باشند و فقط ۲۳ درصد این افراد درگیر رابطه ازدواجی بودند.^۴

آمارهای بالا حاکی از روند افزایش هم خانگی در ۴۰ سال اخیر در آمریکاست. تعداد خانواده هایی که با زوج ها ازدواج نکرده اداره می شوند. ۷۲ درصد رشد یافته و بر عکس تعداد خانواده های سنتی مرسوم به کمتر از ۲۵ درصد کل خانواده ها کاهش یافته است.

این تغییرات گویای آن است که در چند دهه اخیر، واقعه ای مهم در این جوامع روی داده است. تحولات اقتصادی و تغییرات اجتماعی در پی آن بسیاری از معادلات را بر هم زده است. با گسترش روابط جنسی پیش از ازدواج در کشورهای متعدد جهان به تدریج سن ازدواج در این کشورها افزایش یافت. اما با گسترش هم خانگی تعداد ازدواج ها «نیز کاهش چشمگیری یافت چرا که هم خانگی به شکل رقیبی جدی در مقابل ازدواج قد علم کرده بود». امروزه ازدواج در حال تضعیف و هم خانگی در حال تقویت شدن است. به طور مثال شاخص ها در کانادا کاهش شدید میزان ازدواج در چند دهه اخیر را نشان می دهد. در این کشور میزان ازدواج زنان تا ۵۰ سالگی از بالای ۹۵ درصد در سال ۱۹۶۵ به کمتر از ۶۰ درصد در سال ۲۰۰۳ رسیده است. در مقابل میزان هم خانگی ها در کانادا رشدی ۳۰۰ درصدی را نشان می دهد و از ۱۵ درصد در اواخر دهه ۱۹۶۰ به نزدیک ۵۰ درصد در سال ۲۰۰۰ رسیده است.^۵ در قاره اقیانوسیه نیز هم خانگی رو به افزایش است. به طوری که در کشور استرالیا گرایش به هم خانگی از ۱۶ درصد در سال ۱۹۷۵ به بیش از ۷۵ درصد در سال ۲۰۰۷ رسیده است.^۶

^۱ Ghuman, S. H., V. M. Loi, V.T. Huy, and J. Knodel (2006). 'Continuity and Change in Premarital. Sex in Vietnam', Journal of International Family planning Perspectives, Vol. 32, No. 4.

^۲ Thornton, A., G. William, W. G. Axinn and, Y. Xie (2007). Marriage and Cohabitation, Chicago: The University of Chicago Press.

^۳ Bumpass, L. and H. H. Lu (2000). 'Trends in Cohabitation and Implications for Children's Family Contexts in the United States', Population Studies, Vol. 54, No. 1.

^۴ Seltzer, J. A. (2000). 'Families Formed Outside of Marriage', Journal of Marriage and the Family, Vol. 62, No. 4.

^۵ کریمیان نادر، سالاری سمانه، ملکاری بختیار، ۱۳۹۴، رابطه هم خانگی در ایران بررسی کیفی علل و انگیزه های گرایش به آن، صفحه ۱۸۰.

^۶ Sardon, J. P. and G. D. Robertson (2004). 'Recent Demographic Trends in the Developed Countries', Population (English Edition), Vol. 59, No. 2.

این تغییرات، به آمریکای شمالی و اقیانوسیه محدود نمانده و اروپا نیز روندهای مشابهی از آن را تجربه کرده است. هر چند هم خانگی در اروپا پدیده جدیدی نیست و قبل از انقلاب جنسی دهه ۱۹۶۰ نیز به علل گوناگون در برخی جوامع اروپایی یافت می شد، اما عملی غیر قانونی، مشمول مجازات و البته نادر بود.

در دوره های اولیه پیدایش هم خانگی غالباً افراد فقیر، که توانایی ازدواج نداشتند وارد این گونه روابط می شدند و مشکلات اقتصادی یکی از مهمترین علل شکل گیری آن بود. عده ای دیگر نیز به سبب مشکلات بعد از جدایی یا مرگ شریک زندگی خود وارد این روابط می شدند.^۱ به طور مثال در آلمان و بعد از جنگ های جهانی دوم، زنان میانسال بعد از طلاق یا مرگ شریک زندگی خود غالباً هم خانگی را به ازدواج مجدد ترجیح می دادند چون نمی خواستند حقوق دوران بیوگی آن ها، که دولت پرداخت می کرد قطع شود.^۲

اما از دهه ۱۹۶۰ به بعد در اروپا این بار نه صرفاً افرادی با شرایط اجتماعی خاص بلکه گروه های متفاوتی از مردم متمایل به این پدیده شدند و به تدریج هم خانگی در میان بیشتر طبقات و گروه های اجتماعی رواج یافت.^۳ در این میان فرآیند تغییر نگرش به ازدواج و شیوع روز افزون هم خانگی پذیرش قانونی این روابط را نیز با خود به همراه آورد. امروزه در یازده کشور اروپایی شامل کشورهای بلژیک، دانمارک، فنلاند، فرانسه، آلمان، ایسلند، لوکزامبورگ، هلند، نروژ، سوئد، انگلستان از هم خانگی به مثابه یک رابطه قانونی حمایت می شود. بدین صورت که شرکای این زندگی آدرس محل زندگی و مشخصات خود را به طور کامل به پلیس محلی اعلام کرده و مراتب در اداره پلیس ثبت می شود تا در صورت بروز اختلاف، فرزندان شدن، جدا شدن و موارد مشابه رفع تنازع شود. از نظر توافقات شیوه زندگی، همه چیز روشن بوده و هر یک از آنان با درصد توافق شده در این روش زندگی ایفای نقش می کنند و اگر توافق بر انشقاق و جدایی از یکدیگر کنند، اموال حاصله در مدت زندگی مشترک بین آنها تقسیم و هر یک سهم خود را دریافت کرده و جدا می شوند. همچنین محاکم قضایی در صورت اطلاع پلیس محلی از این موضوع دعاوی افراد را پذیرفته و استماع می کند. و زن به همان اندازه صاحب حق است که مرد دارای حق است. به طور مثال در انگلستان قوانین در جهت حمایت از هم خانگی وضع شده است. من جمله این که: الف) ذکر ارث هم باش در وصیت نامه ضروری است و در غیر این صورت بعد از مرگ دارایی فرد به وراثت هم خون و حتی پادشاهان انگلستان تعلق خواهد گرفت.^۴

ب) در خصوص حق حضانت فرزندان ناشی از هم خانگی چنان چه فرزند به نام مادر ثبت شده باشد، مادر از حق حضانت برخوردار است. اما در صورتی که پدر خواستار حضانت باشد باید با مادر توافق کند و یا موضوع را در دادگاه طرح نماید.

ج) در زمینه مالکیت اموال بعد از جدایی هم چنانچه توافق قبلی صورت گرفته باشد هیچ گونه ملاکی برای برآورد مالکیت اموال بعد از جدایی وجود نخواهد داشت و لذا به این دسته از زوجها توصیه می شود که اموال را با مشارکت تهیه کنند، تا در صورت جدایی و تقسیم متضرر نگردند.^۵

^۱- Bourdais, C. L. and A. E. Lapierre (2004). 'Changes in Conjugal Life in Canada: Is Cohabitation Progressively Replacing Marriage?', Journal of Marriage and Family, Vol. 66, No. 4.

^۲- Hewitt, B. and D. De Vaus (2009). 'Change in the Association Between Premarital Cohabitation and Separation, Australia 1945-2000', Journal of Marriage and Family, Vol. 71.

^۳- Kiernan, K. (2001). 'The Rise of Cohabitation and Childbearing Outside Marriage in Western Europe', International Journal of Law, Policy and the Family, Vol. 15, No. 1.

^۴- Nave-Herz, R. (2000). 'Historischer und Zeitgeschichtlicher Wandel im Phasenablaufprozess von der Partnerfindung bis zur Eheschließung', Zeitschrift für Soziologie der Erziehung und Sozialisation, Vol. 20, No. 3.

^۵- Carmichael, G. A. (1995). 'Consensual Partnering in the More Developed Countries', Journal of the Australian Population Association, Vol. 12, No. 1.

فنلاند به عنوان دیگر کشور پذیرنده پدیده هم خانگی علی رغم قانونی شمردن این رابطه قائل به تفاوت هایی با زندگی مشترک همراه با ثبت رسمی ازدواج شده است من جمله این که:

(الف) دو نفری که بدون داشتن ازدواج رسمی با هم زندگی می کنند وظیفه شرکت در تأمین مخارج زندگی همدیگر را ندارند.

(ب) زوجین از همدیگر هیچ گونه دارایی را به ارث نمی برند.

(ج) در رابطه مشترک بدون ازدواج رسمی (هم خانگی، هم باشی) در صورت فوت یکی از زوجین به دیگری بازنشستگی افراد بیوه تعلق خواهد گرفت.

(د) این زوجین نمی توانند نام خانوادگی همدیگر را داشته باشند.

در آلمان نیز به زندگی مشترک بدون ازدواج رابطه شبه ازدواج گفته می شود. در دهه ۱۹۵۰ میلادی جامعه این نوع از زندگی را به سختی پذیرا بود و با نام زندگی وحشی شناخته می شد. اما در طی چند دهه و با کنار گذاشته شدن پیش داوری ها، قوانین مانع از مداخله مذهب در زندگی فردی و اجتماعی افراد شد که عمدتاً تحت تأثیر جنبش معروف سال ۶۸ بود. جنبشی که توانست الگوها و بدیل های تازه ای را در مقابل ارزش های فرسوده و محافظه کارانه قرار دهد و رابطه سلطه گرایانه در زندگی فردی و اجتماعی را به چالش بکشد، به گونه ای که در حال حاضر طرفین هم خانگی حتی بدون اعلام و ثبت رابطه و در صورت احراز شرایط این نوع زندگی مورد حمایت قانون هستند. در حقیقت این شیوه زندگی در آلمان به عرف تبدیل شده و عناصر عرف را شامل می شود.^۱ امروزه دو میلیون و ۶۰۰ هزار زن و مرد در آلمان بدون ازدواج زیر یک سقف زندگی می کنند.

همچنین آمارها حاکی از آن است که ۳۷/۳ درصد با پدیده هم خانگی کاملاً موافق، ۴۱/۷ درصد موافق، ۶/۹ درصد نه مخالف و نه موافق، ۱۰/۰۱ درصد مخالف و ۳/۹ درصد به شدت مخالف هستند.^۲ آمارهایی که نشان از افزایش چشمگیر گرایش افراد به سمت خارج شدن از چهارچوب های قانونی و کاهش میزان خانواده های سنتی و قانونی و به تبع آن رشد خانواده های جدید و مدرن است.

(ب) روند شکل گیری هم خانگی در ایران در یک سده اخیر الگوی روابط زنان و مردان در بیشتر کشورهای دنیا تغییرات گسترده ای کرده و همچنان به صورت روزافزونی در حال تغییرات مداوم است. با گسترش جهانی شدن شاهد این تغییرات در ایران نیز بودهایم. تغییراتی ارزشی که در سالهای اخیر بر مناسبات اجتماعی در ایران تأثیرگذار و تبعات متعددی برای جامعه به همراه داشته است همچنین گرایش های فکری روشن فکرانه، آزادی خواهی، اهمیت استقلال فردی، کمرنگ شدن ارزش های دینی اشخاص، افزایش ارتباطات میان افراد متوسط، ابزارهای ارتباط جمعی و دانشگاه، استفاده از رسانه های جمعی مفاهیم مهم و تکرار شونده ای است که سبک های زندگی متفاوتی را در ایران آفریده و ارزشهای گوناگونی را شکل داده است. ارزشهایی که به تدریج منجر به تغییر در ساختار خانواده و کارکردهای آن، شکل گیری رفتارهای جدید در میان جوانان ایرانی شده است. که از مهمترین آنها گسترش روابط جنسی پیش از ازدواج است. روابطی که به تدریج با افزایش یافتن متکثر و متنوع نیز شده اند. تنوعی از تغییرات که هم خانگی یکی از محصولات آن بوده است. طی دهه اخیر در ایران با رشد «تأخیر سن ازدواج» روبه رو بودهایم. بنابر آمار موجود میانگین سن ازدواج در فاصله سالهای ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۴ برای زنان از ۱۹/۸ درصد به ۲۳/۸ درصد و برای مردان از ۲۳/۸ به ۲۸/۵ درصد رسیده است. به این ترتیب در سال ۱۳۹۴ جمعیت دختران و پسران ۲۰ تا ۳۰ ساله ازدواج نکرده به بیش از ۹ میلیون نفر رسید. که آمار تحصیل کردگان ازدواج نکرده و در سن ازدواج در حال حاضر

^۱ حنا، خوارزمی، هم باشی های ایرانی سایت مهرخانه، سال انتشار ۱۳۹۴، تاریخ بازدید ۱۳۹۵/۰۲/۰۹. <http://mehrkhaneh.com/fa/news/17806>

^۲ - غلامرضا، گرماردی و دیگران، پیشین، صفحات ۱۴-۱۸. ۲ آزاد ارمکی، تقی و دیگران، (۱۳۹۱)، پیشین، صفحه ۴۵.

سه میلیون و ۹۹۰ هزار و ۷۴۱ جوان است که از این تعداد یک میلیون و ۹۷۳ هزار و ۶۷۲ نفر آنها پسر و دو میلیون و ۱۷ هزار و ۶۹ نفر آنها دختر هستند. نکته قابل توجه اینکه از سال ۱۳۹۰ برای اولین بار در چند دهه گذشته رشد ازدواج در کشور متوقف و هر سال تعداد ازدواجهای ثبت شده نسبت به سال قبل کاهش یافت. به طوری که از ۸۹۱ هزار افزایش سن ازدواج در سال ۱۳۹۴، پایگاه رجانیوز، تاریخ انتشار ۱۳۹۵/۰۲/۲۱، تاریخ بازدید ۱۳۹۵/۰۴/۰۲.

ازدواج در سال ۱۳۸۹ به ۶۸۵۳۵۲ ازدواج در سال ۱۳۹۴ رسید. بالا رفتن سن ازدواج یا مجرد قطعی می تواند به افزایش اضطرابها و فشارهای عصبی، کاهش انگیزه فعالیت های اقتصادی و آسیب پذیری جنسی و بر هم خوردن تعادل هرم جمعیتی کشور منجر شود، چه بسا دختران و پسرانی که امید و آرزوی خود را در زندگی فردا می جستند. و حال که آن را پیش روی دارند و در صدد بهره برداری صحیح و دلپسند از زندگی می باشند، با سپری شدن دوران شور جوانی انگیزه های تشکیل خانواده کم و یا مایوس شوند. مشکل و نابسامانی که می تواند پیامدهای ناخواسته فرهنگی و اجتماعی ناگوار، در سطح فردی و اجتماعی داشته باشد.^۱

یکی از این پیامدها گسترش انواع انحرافات و بی بند و باری های اخلاقی در سطح جامعه است. به واقع بین افزایش سن ازدواج و انحرافات اخلاقی رابطه ای دو سویه برقرار است. روابط آزاد بین دختر و پسر و امکان تمتع و ارضای جنسی نیاز به ازدواج را در جوانان کمرنگ کرده است. زیرا برخی از جوانان برای ارضای غرایز طبیعی و بهره گیری جنسی خود به ارتباط با جنس مخالف از طریق غیرازدواج و با مسئولیت کمتر بسنده می کنند که نمونه بارز آن در روابط هم خانگی در ایران مصداق پیدا می کند.^۲

تا ابتدای دهه نود شمسی گزارش مستمر و برجسته ای از وجود روابطی موسوم به هم خانگی در هیچ یک از منابع رسمی دولتی و غیردولتی وجود ندارد. گرچه برخی شواهد و گزارشهای غیررسمی به وجود اندک این روابط در کلان شهرهایی چون تهران اشاره داد.^۳ اولین موضع گیری رسمی در این خصوص را باید به عضو هیأت رئیسه شورای شهر تهران منتسب دانست که در مصاحبه با یک خبرگزاری داخلی از وجود چنین روابطی به طور رسمی پرده برداشت. وی در این خصوص اظهار داشت: متأسفانه گزارش هایی مبنی بر تشکیل زندگی های مجردی در تهران حاکی از آن است که دختر و پسر دانشجو بدون ازدواج رسمی زیر یک سقف زندگی می کنند شاید بتوان گفت این مدل همزیستی قبلاً هم وجود داشته اما کسی از آن مطلع نبوده است. بنابراین ایران به طور رسمی با پدیده هم خانگی مواجه شد. به رغم نام گذاری و تعریف این پدیده به ازدواج سفید در ایران، هیچگاه این عبارت برای نامگذاری این پدیده از سوی دولت ایران مطرح نشد. ازدواج سفید در ایران تا حدودی مشابه هم خانگی در غرب است. تعریفی رسمی در خصوص ازدواج سفید در ایران وجود ندارد. زیرا آنچه در ایران در حال روی دادن است هم خانگی است نه ازدواج سفید.^۴

پیشینه رواج عبارت ازدواج سفید در ایران مشخص نیست و منابع رسمی در خصوص تعریف این پدیده وجود ندارد. اما در نامگذاری هم خانگی یا همزیستی زناشویی به ازدواج سفید در ایران توسط افرادی که در این رابطه حضور دارند، انتخاب بار

۱ - ساروخانی، باقر، (۱۳۷۵). مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده، تهران، انتشارات سروش، صفحه ۲۵.

۲ - غلامحسین، سفیدگران، مسائل و مشکلات زنان، اولویت ها و رویکردها، (تهران: ناشر دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۰)، صفحات ۶۳۲ و ۶۳۳.

۳ - طرح امنیت اجتماعی نیروی انتظامی برای سازماندهی خانه های مجردی در مرکز شهر تهران» سایت فرارو، تاریخ انتشار ۱۳۸۸/۰۲/۱۱، تاریخ بازدید ۱۳۹۴/۱۰/۱۷.

۴ ازدواج سفید یا ازدواج روی هوا، سایت فارس نیوز، تاریخ انتشار ۱۳۹۳/۰۷/۰۷، تاریخ بازدید ۱۳۹۴/۱۰/۲۸.

<http://www.farsnews.com/printable.php?nn=13930707001090>

معنای مثبت واژه سفید در مقایسه با واژه ازدواج سیاه و غلط پنداشتن ازدواج رسمی قانونی و صحیح‌تر دانستن این رابطه به ازدواج رسمی و قانونی است.^۱

طرح این موضوع و نحوه نام گذاری و خبر رواج آن در سالهای اخیر منجر به موضع‌گیری‌های متفاوتی توسط بعضی از مسئولان و صاحب‌نظران و تحقیقات مختلفی در این زمینه هر چند اندک شد که نشان از توجه جامعه نسبت به موضوع دارد. بعنوان نمونه یکی از نمایندگان مجلس در واکنش به طرح پلیس برای جمع‌آوری خانه‌های مجردی اظهار داشت اگر کارکرد این خانه‌ها شبیه خانه‌های تیمی اوایل انقلاب باشد و علیه امنیت عمومی عمل کند مداخله پلیس ضروری است. اما مداخله دروالم شخصیه و تجسس در آن شرعاً و قانوناً مردود است.^۲

در انعکاس رسانه‌ای هم اغلب نوعی وجهه مجرمانه و مفسده‌انگیز برای این خانه‌ها تعریف شد و حتی گاه در کنار محل تجمع معتادان یا مراکز هدایت جرم و دزدی قرار گرفتند. شاید یکی از دلایل مقایسه این خانه‌ها با مراکز هدایت جرم تلاش برای واکنش مسئولان نسبت به این پدیده و ارائه آمار و ارقام صحیح و شفاف، منطبق با واقعیت جامعه است زیرا امروزه هیچ مؤسسه‌ای مسئولیت بررسی و تحلیل و ارائه آمار در خصوص پدیده هم‌خانگی را در ایران ندارد. در واقع به دلیل مخفی و پنهانی بودن، غیرشرعی و غیرعرفی بودن و عدم تمایل افراد شرکت‌کننده در رابطه در خصوص علنی کردن این رابطه نمی‌توان آماری از این موضوعات به دست آورد و لذا نمی‌توان هیچ یک از قوای کشور را به جهت عدم ارائه آمار دقیق زیر سؤال و پاسخگو نبودن آنها را نشانه فرار از پاسخگویی تلقی کرد.^۳

شکل‌گیری و شیوع پدیده هم‌خانگی در ایران ما را بر این نکته رهنمون می‌سازد که ساز و کارهای شکل‌گیری این روابط پیچیده، دیالکتیکی و چندمرحله‌ای است و عوامل متعددی بر آن تأثیر می‌گذارد. در مرحله نخست به بررسی مراحل شکل‌گیری این پدیده در ایران خواهیم پرداخت که عبارت است از:

۱- مرحله اول: آشنایی

در این مرحله دختر و پسر در خیابان یا در مکانهای دیگر با هم آشنا می‌شوند. سپس به افشای وضعیت خود می‌پردازند و دردها و محدودیت‌ها و طرد شدنهای مکرر خود را با یکدیگر در میان می‌گذارند. در بیشتر موارد طرفین خود را غوطه‌ور در مشکلات و بدبختی‌ها معرفی می‌کنند تا حس ترحم و دلسوزی دیگران را تحریک کنند.

۲- مرحله دوم: عاشق شدن

پس از آنکه دو طرف از دردهای بی‌شمار، محنت‌های فراوان و مصائب پر تعداد خود سخن گفتند بیش‌ازپیش به یکدیگر نزدیک می‌شوند. این نزدیکی منجر به ایجاد علاقه و ارتباط محبت‌آمیز می‌شود. البته نه عشقی که موجب تعالی و رشد می‌گردد بلکه عشقی که به جهت جبران محدودیت‌های گذشته است.

۳- مرحله سوم: به هم پیوستن

پس از آن که طرفین احساس کردند یکدیگر را می‌فهمند تصمیم به هم زیستن می‌گیرند. لیکن چون به صورت کامل اجتماعی نشده‌اند و وجدان اخلاقی (سوپر ایگو) قوی ندارند، برای با هم زیستن، راه کج و ناهنجار را پیش می‌گیرند.

۱ - مهسا، مهدیه، فریبا، سیدان، تحلیل جنسیتی روابط هم‌خانگی مشترک در زنان و مردان ایرانی (زوج‌های ایرانی)، (تهران: مؤسسه سفیران فرهنگ مبین، ۱۳۹۴)، صفحه ۷۵-۷۶.

۲ - مصاحبه با نماینده مجلس شورای اسلامی (محمد نصیرپور)، سایت خبری ایلنا، تاریخ انتشار ۱۳۹۳، تاریخ بازدید ۱۳۹۴/۱۲/۱۴.

<http://www.ilna.ir/fa/news/24575>

۳ - مصاحبه با معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی (حبیب‌الله مسعودی فرید)، پایگاه خبری ایسنا، تاریخ انتشار ۱۳۹۴، تاریخ بازدید ۱۳۹۵/۰۱/۲۱. <http://www.isna.ir/news/95050111328>

۴- مرحله چهارم: بروز تعارض و تنش

به وضوح می توان پیش بینی کرد که افرادی که تن به این رابطه می دهند، دنیایی سرشار از تعارض، درگیری و مسائل حل نشده دارند. به همین جهت دیری نمی پاید که عشق و عاطفه اولیه رنگ می بازد و جای خود را به نفرت و کینه و خود سرزنشگری می دهد.

۵- مرحله پنجم: خاتمه زیست مشترک و احساس شرمساری

با پیدا شدن تعارضها، دو طرف قادر به بهره گیری از ساز و کارهای منطقی و عقلانی برای از میان راندن تعارضهای پدید آمده و اختلافات ظاهر شده نیستند. در نتیجه به این رابطه خاتمه می دهند و چیزی جز احساس شرم و شکست برای طرفین خصوصاً برای زن باقی نمی ماند.

بررسی مراحل بیانگر آن است که روابط عاشقانه در الگوهای پیشرفته خود منجر به روابط هم خانگی می شود در این الگو افراد با یکدیگر زندگی زیر یک سقف را تجربه می کنند و چه بسا زندگی اقتصادی مشترکی هم دارند. این روابط رقیب جدی نهاد ازدواج است که خود را در قامت ازدواج غیررسمی باز می نمایند. رابطه ای که بسیاری از تعهدات و شرایط ازدواج را دارد. اما از قوانین، سنت ها و محدودیت های آن گریزان است.

گفتار اول: علل گرایش به هم خانگی در ایران

ریشه های گرایش به هم خانگی در ایران شکلی از زندگی در فرهنگ غرب است که با فرهنگ، شرع و قانون جامعه ما هماهنگی ندارد، نوعی همزیستی با نامحرم که بنیان زندگی خانوادگی را متزلزل و فقط تأمین نیازهای جنسی را به خصوص برای مردان در پی دارد. هر چند این سبک از زندگی در کشور ما چندان شایع نشده است، اما به هر جهت نوعی زندگی بیگانه است که در فرهنگ و تمدن اسلامی چارچوب های شرعی و عرفی، و قانونی را زیر پا گذاشته و زنان جامعه ما اصلی ترین قربانیان و بازندگان آن خواهند بود. برای ایجاد این همزیستی در جامعه دلایل مختلفی اعم از اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، روانی، ورود عناصر نوسازی و تغییرات خانواده ها دخیل هستند که به تفکیک به بررسی دخالت موارد مذکور در شیوع این پدیده خواهیم پرداخت.

شایسته است قبل از ورود به مباحث اصلی نظریات قابل استناد در این فصل به طور اجمالی تعریف گردد تا در تبیین بهتر موضوع موثرتر باشد.

۱- نظریه آنومی: آنومی به فقدان هنجار یا بی هنجاری اطلاق می شود و عبارت است از حالتی که در آن قواعد اجتماعی (هنجارها) برای عاملان الزام آور نیستند و پیروی از آنها برایشان مطلوبیتی ندارد. دورکیم معتقد است یکی از انواع عمده آنومی اجتماعی، آنومی اقتصادی است که خاص جوامع در حال گذر است، به معنای فقدان مجموعه قواعد حاکم بر روابط بین کارکردهای اجتماعی معین که باید در حل بحران های تجاری و صنعتی و تضاد بین کار و سرمایه دیده شود.

۲- نظریه انتخاب عقلانی: دارای یک بعد منفعت طلبانه ی آشکار است. من آن چیزی را انتخاب می کنم که بیشترین رضایت خاطر یا منفعت را برایم به بار می آورد. نظریه ای هنجاری است که به کارآمدترین شیوه دستیابی به یک هدف معین در یک شرایط معین اشاره می کند.^۲

^۱ - مسعود، کوثری، نظریه های آنومی اجتماعی، تهران، (تهران: نشر سلمان، ۱۳۸۶)، صفحه ۸. ۲ مسعود، چلبی، جامعه شناسی نظم، (تهران: انتشارات نی، ۱۳۷۵)، صفحه ۱۱۹.

^۲ - راین، کرایب، ترجمه عباس مخبر، جامعه شناسی مدرن از پارسونز تا هابرماس، (تهران: نشر آگاه، ۱۳۷۸)، صفحه ۹۲.

۳- نظریه فشار: بزهکاری زمانی رخ می‌دهد که افراد نمی‌توانند آن چه را که می‌خواهند از طریق مجاز و مشروع به‌دست آورند و خواسته‌های ناب‌آورده (ناکام) فشار یا نیرویی بر فرد در جهت بزهکاری وارد می‌کنند.^۱

الف) عوامل اقتصادی

یکی از شاخص‌های بررسی تحول خانواده، وضعیت اقتصادی آن است. در سالهای اخیر افزایش خصوصی‌سازی ناشی از گسترش سرمایه‌داری و لیبراسیم اقتصادی در ایران در قالب فرآیندهای بیکاری و ناامنی شغلی و همراهی عوامل دیگر مانند تعهدات مادی و غیرمادی سنگین در امر ازدواج از عوامل عمده بسترساز در بروز الگوهای رفتاری جدید در جامعه بوده است.

۱- بحران اشتغال و بیکاری

با توجه به اینکه مسئولیت اصلی تأمین مخارج زندگی مشترک بر عهده مردان است اشتغال به‌عنوان پیش شرط ازدواج مردان از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد. شرایط سخت زندگی در سالهای اخیر و مشکلات دستیابی جوانان به فرصت‌های شغلی زمینه‌ساز مسئله ازدواج جوانان شده است. جوانانی که به واسطه بیکاری از ابزار استقلال مالی محروم مانده و مجبورند به وابستگی مالی خود به خانواده ادامه دهند. این مسأله موجب می‌شود جوانان برنامه‌ها و اهداف خود از قبیل ازدواج و تشکیل خانواده را تا آینده نامعلوم به تأخیر می‌اندازند.^۲

در حقیقت اشتغال و بیکاری از جمله موضوعات مهم اقتصادی هر کشور است. به گونه‌ای که افزایش اشتغال و کاهش بیکاری به‌عنوان یکی از شاخصه‌های توسعه یافتگی جوامع تلقی می‌شود.

آمارها حاکی از روند افزایش نرخ بیکاری در سالهای اخیر بوده است. به‌طور مثال در سال ۱۳۸۹ نرخ بیکاری ۵/۱۳ درصد، سال ۹۲، ۴/۱۰ درصد بوده است. این رقم در سال ۹۳ به ۱۰/۶ درصد و در سال ۹۴ با افزایش ۰/۴ درصدی به ۱۱ درصد رسیده است.^۳ اگرچه با توجه به وضعیت فعلی جامعه به‌نظر می‌رسد آمارهای ارائه شده از سوی مرکز آمار ایران چندان مطابق با واقعیت نیست و برخی مسئولین اعتقاد به بیکاری ۲۴ درصدی در میان جوانان دارند.^۴

همچنین حدود ۱/۱ میلیون فارغ‌التحصیل دانشگاهی به بازار کار دسترسی ندارند و به زودی ۴/۵ میلیون نفر دیگر نیز به آنها می‌پیوندند. طبق گزارشات رسمی دولت بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در ایران ۱۰ برابر بیکاری غیردانشگاهیان است.^۵ میلیون‌ها جوان که درس و مطالعه و دانشگاه را تنها راه خوشبختی خود می‌پنداشتند و به امید داشتن زندگی بهتر راهی طولانی را سپری کرده اند و پس از سالها تلاش بسیاری از آنها فهمیده‌اند که سربازی بیش نبوده است. همین امر موجب

^۱- Merton. Robertk. (1938), "Social structure and anomie", American sociological Review, 3(5): 612-632

^۲ - سهیلا، صادقی فسائی، سمیرا، کلهر، ابعاد شکاف جنسیتی و میزان تحقق کاهش آن در برنامه سوم توسعه، (تهران: مجله پژوهش زنان، ۱۳۸۶)، صفحات ۱۳-۱۸.

^۳ - نرخ بیکاری سال ۹۴ اعلام شد (گزارش نتایج مرکز آمار)، سایت تابناک، تاریخ انتشار ۱۳۹۵/۰۱/۱۸، تاریخ بازدید ۱۳۹۴/۱۱/۱۳.

<http://www.tabnak.ir/fa/news/578764>

^۴ - میزان بیکاری در کل کشور بیش از ۲۴ درصد است (مصاحبه با دبیرکل خانه کارگر علیرضا محبوب) سایت تی نیوز، تاریخ انتشار ۱۳۹۵/۰۲/۰۶، تاریخ بازدید

<http://tnews.ir/news/c3be61647752.html> .۱۳۹۵/۱۴/۱۹

^۵ - تعداد بیکاران لیسانس ۱۰ برابر زیر دیپلم ها، مصاحبه با وزیر رفاه، کار و امور اجتماعی (عبدالرضا شیخ الاسلامی)، سایت تابناک، تاریخ انتشار ۱۳۹۱/۰۲/۲۵، تاریخ بازدید ۱۳۹۴/۱۱/۲۳.

افزایش میزان افسردگی در سالهای اخیر در میان فارغالتحصیلان دانشگاهی شده است^۱ و به تدریج احساس آنومی^۲ در آنان افزایش می یابد.^۳ که همین خود منجر به شکل گیری ارزشهای جدید در میان بخشی از جوانان جامعه شده است. در حقیقت، جامعه امروز ایران با انبوهی از جوانان بیکار مواجه است که به بلوغ جنسی رسیده اند اما به بلوغ اقتصادی که از طریق اشتغال پایدار حاصل می شود دست نیافته اند. این وضعیت فقط مربوط به فارغالتحصیلان بیکار نیست. بلکه افراد شاغل هم با ناامنی شغلی شدیدی در ایران مواجه اند. با فرآیند خصوصی سازی در کشور مسئله ناامنی شغلی در سالهای اخیر برجسته تر شده است.

ناامنی شغلی چیزی فراتر از مسئله «بیکاری» است و به شاغلانی نظر دارد که آینده شغلی خود را ناپایدار احساس می کنند. لازمه ازدواج داشتن استقلال اقتصادی و ثبات شغلی است؛ امری که امروزه هیچ اطمینانی به آن نیست و همین امر، زمینه شکل گیری رفتارهای جنسی نامتعارف را فراهم کرده است. یکی از شاخصه های مشاغل ناپایدار، گسترش «قراردادهای موقت» کاری است. این وضعیت، در سازمان های اقتصادی ایران روز به روز فراگیرتر می شود. امروزه، قراردادهای کوتاهمدت کارفرمایان را مخیر می کند با اندک هزینه ای، و گاهی حتی بی هیچ هزینه ای، هر زمان که بخواهند کارمندان خود را از کار بیرون کنند. در این میان، پیدایش الگوهای ناامن اقتصادی، با ایجاد آینده های مبهم، قدرت ریسک فرد را پایین آورده سن ازدواج را در او بالا می برد و در پی آن، الگوهای دیگری را برای ارضای نیازها پیش روی او می گذارد.

افزایش ناامنی شغلی با فرآیند جهانی شدن اقتصاد مرتبط است؛ فرآیندی از تغییرات که اقتصاد رقابتی را به سراسر جهان و همچنین درون بسیاری از کشورها کشانده است. جهانی شدن چون تیغ دولبه ای است که هم، در سطح کلان موجب افزایش ثروت در کشورها می شود و هم در سطح خرد، باعث کاهش امنیت روانی افراد از آینده شغلی خود می شود. سرمایه داری با ایجاد اقتصاد رقابتی، امنیت را نه فقط از کارمندان و کارگران، که حتی از مدیران و کارفرمایان هم ستانده است. امروزه کمتر کسی می تواند از آینده شغلی خود با قطعیت سخن بگوید. از این روست که، به تعبیر گیدنز، تجدد با نبود قطعیت پیوند یافته است.^۴

در گذشته، اقتصاد دولتی (با همه نواقصش)، به سبب غیررقابتی بودن، امنیت روانی می آورد؛ این نظام شاید پیشرفت چندانی نمی کرد، اما شکست فردی را هم به ارمغان نمی آورد. امروزه، اقتصاد رقابتی در سرمایه داری هر چند منجر به پیشرفت رفاهی بشر شد، اما آرامش او را هم درنوردید. در این میان، ایران با اجرای فرآیند خصوصی سازی نظام اقتصادی تلاش می کند زمینه های بیشتر و کارآمدتری را برای ادغام نظام اقتصادی خود با سرمایه داری جهانی فراهم کند، فرآیندی که مسئولان شاید، با توجه به تحولات جهانی، راه گریزی برای آن نبینند اما هر چه هست این تغییرات اقتصادی، به تدریج، تغییرات اجتماعی متعددی در زیر لایه های پنهان شهری پدید آورده و می آورد. ظهور نیروی کار نامطمئن نه تنها هزینه های شغلی که هزینه های روانی و اجتماعی متعددی را برای فرد به همراه دارد. در این میان با افزایش افراد تحصیل کرده در جامعه، بی کاری و ناامنی شغلی در این دسته از افراد نیز به شکل بی سابقه ای افزایش یافته است. پیدایش احساس ناامنی اقتصادی به آینده شغلی، زمینه ساز بسیاری از رفتارهای جدید اما کم هزینه تر می شود.

ناامنی شغلی دوره های موقتی در نظام سرمایه داری نیست که پس از استقرار و ثبات آن به تدریج برطرف شود، بلکه اساساً گسترش ناامنی یکی از استراتژی های همیشگی نظام سرمایه داری است که کارکرد کنترل خودکار سیستم را به همراه دارد.

^۱ - حسین، لطیفی نیا، پیشین، صفحات ۵۴-۵۸.

^۲ Anomie

^۳ - فرامرز، رفیع پور، پیشین، صفحه ۱۷۰

^۴ - آنتونی، گیدنز، ترجمه محسن ثالثی، پیامدهای مدرنیست، (تهران: نشر تهران مرکز، ۱۳۹۰)، صفحه ۲۱-۲۵.

به عبارتی، اقتصاد سرمایه‌داری مبتنی بر ناامنی فزاینده کارگر و نیروی کار است. در این نظام اقتصادی، اگر کارگران وضعیت «ناامن» داشته باشند و زندگی مملو از ناامنی شغلی را تجربه کنند، در آن صورت آنها مطالبه نمی‌کنند، برای دستمزدهایشان چانه نمی‌زنند، مزایا نمی‌گیرند، و به آن اعتراض هم نمی‌کنند و با این حال، هر زمان هم که کارفرما آنها را نخواهد می‌تواند به راحتی اخراجشان کند و این برای سلامت اقتصاد سرمایه‌داری خوب است. سرمایه‌داری به کارگرانی نیاز دارد که آرام باشند و خوب کار کنند تا چرخهای اقتصاد موجود، بی‌دردسر، به چرخش خود ادامه دهند. در این میان، یکی از راهکارهای پنهان سرمایه‌داری برای کنترل و سرکوب اعتصابات و اعتراضها و آرام نگه داشتن کارگران، تولید و افزایش نیروی کار است. در این صورت «عرضه» و «تقاضای» نیروی کار به نفع کارفرما به هم می‌ریزد. در وضعیت جدید، با حجم عظیمی از کارمندان و کارگران متخصص و آماده به خدمتی روبه‌رو خواهیم بود که کار به اندازه همه آنها نیست و همین امر عاملی توان بخش برای نظام سرمایه‌داری است؛ چرا که هر گروه معترض به راحتی اخراج و نیروهای دیگر، در جای آنها می‌نشینند. در این مرحله، نه تنها نیروی کار استثمار می‌شود که حتی قدرت مقاومت و اعتراض هم از او گرفته می‌شود. در دوره حاضر، دانشگاهها در ایران به ابزارهای اصلی تولید فزاینده نیروی کار متخصص تبدیل شده‌اند. با افزایش توسعه اقتصادی و گسترش نفوذ سرمایه‌داری در سالهای اخیر در ایران، به تدریج ابزارهای لازم برای تداوم آن هم فراهم شده است. تولید و عرضه نیروی کاری امروزه برابر تقاضای آن شده و این فاصله آنقدر زیاد است که هر اعتراضی را از سوی کارمند، مهندس، و معلمی که امروزه به کارگر سرمایه‌داری متأخر تبدیل شده ناممکن کرده است.

مجموع این شرایط ضمن سلب آرامش روحی و روانی در سالهای اخیر منجر به وقوع پدیده «ترس از ازدواج» در جامعه شده است. کنش‌گر تحصیل کرده امروز بسیار حساس‌تر از کنش‌گر تقدیرگرای دیروز است. در گذشته مشکلات اقتصادی یکی از عوامل عمده طلاق بود در حالی که امروز مشکلات اقتصادی به یکی از عوامل عمده عدم ازدواج در جامعه تبدیل شده است. عدم ازدواجی که افزایش سن ازدواج را در پی دارد و زمانی که افراد نتوانند نیازهای مشروع خود را از طریق قانونی مرتفع نمایند، طبق نظریه فشار، فشار یا نیرویی آنها را به ارتکاب اعمال غیرمشموع و غیرقانونی برای نیل به اهداف سوق می‌دهد.^۱

۲- تعهدات مادی و غیرمادی سنگین در امر ازدواج

در ادامه بررسی علل اقتصادی می‌توان به تعهدات مادی و غیرمادی سنگین در امر ازدواج اشاره کرد، حالات فرهنگی ناپسندی که زمینه‌های وقوع ازدواج را کاهش و تمایل به مجرد یا زندگی غیرقانونی را افزایش می‌دهد. از جمله مهم‌ترین عادات دست و پا گیر که در طی سالهای اخیر تبدیل به عرف در خانواده شده و در حال نابودی بنیان خانواده است عبارت است از:

- تشریفات سنگین و تجمل‌گرایی:

در سالهای اخیر سلطه صنعت مد و تشریفات، الگوبرداری های غلط، تجمل‌گرایی و هزینه‌های کمرشکن در امر ازدواج (هزینه‌های عروسی، جهیزیه، تهیه مسکن) خواسته و ناخواسته راه دشوار و پیچیده‌ای برای ازدواج، در مقابل جوانان قرار داده و میل به ازدواج و شروع زندگی مشترک را در آنان کاهش داده است. معمولاً چنین الگوبرداری‌هایی از ازدواجهای سخت و ناسالم و چشم و هم‌چشمی زاییده عوامل محیطی و توقعات عجیب و غریب بعضی جوانان و خانواده هاست که قبل از این که

^۱- Merton. Robert. (1938), Social structure and anomie", American sociological Review, 3(5): 612-632

معطوف به هدفی مطلوب باشد یا جایگاه شرعی، عرفی و قانونی داشته باشد نمایشی نمادین برای فخرفروشی و اثبات جایگاه اجتماعی زوجین است و به غلط پایه و اساس آبرومندی شمرده می‌شود.^۱

امروزه به‌طور متوسط یک مجلس عروسی چیزی بالغ بر ۴۰ تا ۵۰ میلیون تومان هزینه دارد و این در حالی است که در هم خانگی دختر و پسر تعهد مالی کمتری نسبت به هم خواهند داشت، بدیهی است این مخارج سنگین بیش از هر چیز جوان را دلسرد و منجر به کاهش ازدواج می‌گردد، رکود و تورم بیش از حد و اقتصاد بیمار در ایران در سال‌های اخیر تاثیر زیادی در افزایش هزینه‌ها گذاشته است. دولت ایران طی سالیان اخیر تاکید زیادی بر کمک به جوانان در بحث ازدواج داشته است و اعطای وام‌های ازدواج و کمک مالی به زوجین گواه این مدعاست، اما از طرفی راه‌های دسترسی به این وام‌ها و شرایط آن از طرف دولت به قدری محدود می‌گردد که گاه این پروسه طولانی نیمه کاره رها می‌گردد. همچنین اقدامات دولت در زمینه حمایت از جوانان و در جهت کاهش سن ازدواج اقداماتی قابل نقد است به این دلیل که حمایت از جوانان منوط به تامین شغل، مسکن، هزینه‌های ازدواج و وام‌های با درصد پایین و زود پرداخت می‌باشد که همه این‌ها زیر ساخت‌ها و اقتصادی فعال می‌طلبد.

- مهریه سنگین:

مهریه و مقدار زیاد آن یکی دیگر از معضلات و مشکلات جوانان در امر ازدواج می‌باشد. در شرایط فعلی جامعه، عدم استقلال اقتصادی و اجتماعی زنان از یک‌سو و افزایش آمارهای طلاق از سوی دیگر، دختران و والدین آنها را به شدت از آینده بیمناک نموده و به همین جهت مهریه سنگین را تضمینی در برابر شرایط می‌دانند.^۲

اخیراً نظام حقوقی و قضایی ایران برای تعدیل و کاهش مهریه اقدام به تعیین سقف نموده است. این اقدام قابل نقداست زیرا اولاً بر اساس ماده ۱۰۸۰ قانون مدنی تعیین مهریه بر عهده طرفین است و این با روح این ماده در تعارض است و دوم این که علقه زوجیت بین دختر و پسر بر پایه عشق و علاقه به یکدیگر بسته می‌شود و امروزه ازدواجی که بدون علاقه و عشق انجام شود، چیزی محال و غیر منطقی است، از طرفی وقتی علاقه طرفینی باشد، میزان مهریه نیز که با تراضی دو طرف است تا حدود زیادی توسط زوجین کاهش می‌یابد زیرا تصور این که دختر با توجه به علاقه خود به طرف مقابل، زیر بار مهریه سبک نرود غیر ممکن است.^۳

(ب) علل فرهنگی

سرمایه‌داری، با ورود اندیشه لیبرالیسم اقتصادی در دهه ۱۳۷۰ به ایران، فرهنگ خود را نیز به همراه آورد. فرهنگی که هر چند در آن زمان به راحتی دیده نمی‌شد، اما پیدایش لیبرالیسم اخلاقی در گروه‌های مختلفی از جامعه از نتایج بعدی آن بود؛ اندیشه‌ای که به تدریج تغییرات فرهنگی گوناگونی را برای جامعه ایرانی به همراه داشت. اگر لیبرالیسم اقتصادی بر خصوصی‌سازی و سرمایه داری رقابتی تأکید داشت، مشخصه لیبرالیسم اخلاقی نسبیت‌گرایی شدید آن بود. یکی از نتایج این نسبیت‌گرایی اخلاقی، پیدایش الگوهای متعدد روابط جنسی پیش از ازدواج در فضاهای شهری ایران بوده است؛ الگوهایی که با سست کردن بنیادهای ارزشی از هنجارهای اجتماعی پیشین، مانند ازدواج و راههای مشروع رفع نیاز جنسی، تأکید بر اهمیت

^۱ - تجمل‌گرایی بزرگترین مانع ازدواج آسان، پایگاه اطلاع رسانی مشرق نیوز، تاریخ انتشار ۱۳۹۵/۰۵/۳۱، تاریخ بازدید ۱۳۹۵/۰۶/۰۶.

<http://www.mashregnews.ir/fa/news/620931>

^۲ - صادقی فسائی، سهیلا، کلهر، سمیرا، پیشین، صفحات ۱۳-۱۸.

^۳ سید مرتضی، قاسم زاده، تعدیل مهریه، (تهران: دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۱۳۹۳)، صفحه ۱۸.

در این میان یکی از شاخصه‌های تغییرات فرهنگی، فرآیند بازاندیشی سنت است که در بسیاری از موارد به تغییرات ارزشی می‌انجامد. بازاندیشی یکی از مفاهیم کلیدی و معرف هر گونه کنش انسانی است به این واقعیت اشاره دارد که ما مجبوریم پیوسته و بی‌وقفه دربارهٔ اوضاع زندگی‌مان تدبیر و تأمل کنیم. در تمدنهای ساده و ماقبل مدرن، که نسبتاً حاکمیت مطلق داشت، بازاندیشی تا اندازه زیادی محدود به بازار تفسیر و توضیح سنت پیشین بود. در این دوره سنت وسیله برخورد با زمان و مکان بود؛ زمان و مکانی که گذشته در آنها تداوم و تجلی می‌یابد. اما در دورهٔ تجدد، ماهیت بازاندیشی تغییر کرده است. ویژگی تجدد، بازاندیشی دربارهٔ همه چیز است و در این بین، بازاندیشی سنت و ارزشهای پیشین جامعه یکی از مهم‌ترین پیامدهای تجدد است که با فرآیند جهانی شدن، شدیدتر نیز شده است. به تعبیر گیدنز، تضاد با سنت معادل تجدد است و این تضاد، با فرآیند بازاندیشی حاصل می‌شود. در این دوره، تأیید عملکردها دیگر، با ضمانت سنت، کارایی نخواهد داشت^۱، بلکه پشتمانه تفکر نوین به دلایل گفتار است نه مراجع سنتی آن. در این میان، فرآیند بازاندیشی به عرصه ازدواج هم رسیده است.

از نظر روانشناسی میل جنسی به محض شروع نوجوانی آرام آرام بیدار و شکوفا می‌گردد و رفته رفته تمامی وجود نوجوان را فرا می‌گیرد تا جایی که در مقطعی از سن انسان را تا زیر تأثیرات سخت و سنگین خود قرار می‌دهد به طوری که اغلب در سنین

۱۲۴

۲۰ تا ۳۰ سالگی یک جوان خود را در برابر کنترل این غریزه ناتوان احساس می‌کند.^۱ طبیعی است وجود این غریزه علتی است که عشق و علاقه را در نوجوان ایجاد می‌کند و زمینه‌های ایجاد یک رابطه با جنس مخالف را در خود می‌بیند اما نکته حائز اهمیت این جاست که گاه رابطه با جنس مخالف صرفاً به دلیل عشق به طرف مقابل نیست و گاهی نوجوان یا جوان با انگیزه رابطه جنسی اقدام به برقراری رابطه جنسی می‌کند.

امروزه به دلیل عدم آموزشهای لازم در سنین پایین و عدم وجود شناختی کامل از سنین کودکی بین یک پسر و دختر زمینه‌هایی را ایجاد کرده که موجب لبریز شدن غریزه جنسی در جوانان، راهی جز هم‌خانگی بوجود نمی‌آید. امروزه در کشورها فعالیت‌های روزانه یک شخص نوجوان نیز تحت تأثیر پاسخ به نیازهای جنسی خود قرار دارد. عدم آموزش والدین از سنین کودکی به کودک، وجود برخی ممیزی و سانسورهای بی‌هوده در کتب و رسانه‌های تصویری، وجود فضای بسته و امنیتی در اماکن عمومی و آموزشی به ندرت منجر به ایجاد بیماری به نام گرسنگی جنسی در جوانان گردیده است و این را می‌توان نوعی بیماری روانی در سیستم کشور دانست که پیامدهای خطرناکی مانند خشونت جنسی علیه زنان را می‌تواند در پی داشته باشد. امروزه یک کودک خردسال در سنین اولیه خود با سؤالات و کنجکاوی‌های متعددی روبه‌رو می‌شود و گاه پیش آمده است که یک کودک در مواجهه با یک تصویر که شاید غیراخلاقی تلقی می‌گردد، با سؤالات زیادی دربارهی چپستی آن مواجه می‌شود. والدین نیز با عیب و زشت دانستن موضوع پاسخی مبهم و واهی به کودک می‌دهند و این از عادات بد و زشت و اشتباه والدین است. در سنین نوجوانی و جوانی که غرایز جنسی برای نوجوان مشکلات عدیده‌ای ایجاد می‌کند، فرد توان مطرح کردن این مشکلات را به سبب عدم راحتی و ارتباطی که از قبل بوجود نیامده، نخواهد داشت چرا که از سنین پایین این مشکلات برای کودک عیب خوانده شده است. در این شرایط چه کسانی جز والدین که دلسوز و حامی فرزندان هستند، می‌توانند راه صحیح را به فرزند نشان دهند.

در کنار این مورد نظام آموزشی نیز تا حدود زیادی در شکل‌گیری طبیعت غریزه فرد نقش دارد و در این خصوص نظام آموزشی ایران از دوران پیش از دبستان تا پیش از دانشگاه قابل نقد است، به این دلیل که نظام آموزشی فاقد وجود مشاوران و معلمانی است که آموزش‌های لازم را در این زمینه‌ها دیده باشند.

چرا که در این مورد هم فرد مانند مواجهه با والدین نمی‌تواند مشکلات جنسی خود را با کسی در میان بگذارد. آموزش‌های درسی در این دوران صرفاً به آموزشهای احکام و غسل و... محدود می‌شود و وجود مربیان جوانی که با روحیات نوجوان آشنا بوده و آموزشهای لازم را دیده اند، در این سیستم ضروری است. نحوه آموزش مربیان نیز می‌بایست به صورت انفرادی به اقتضا زمان‌های مناسب باشد چراکه بدیهی است در جمع امکان طرح مشکلات جنسی نوجوان برایش فراهم نمی‌باشد.^۲

تربیت جنسی باید حتی از سالهای قبل از دبستان آغاز شود و کودک در هر مرحله از سنین عصر خود اطلاعات جامع‌تری در این باره کسب کند. وجود برخی محدودیت‌ها و سانسورها و تفکیک‌های جنسیتی که گاهی در محاکم اسلامی هم موردپسند نیست و نوعی افراط به شمار می‌رود، امری اشتباه و غلط است. با این توضیح که وقتی تصویر زن یا مرد از نظر پوشش و آرایش در رسانه با آن چه در کوچه و خیابان است متفاوت است، این در رفتار فرد در جامعه تأثیر مستقیم دارد به این دلیل که فرد با مشاهده یک نوع پوشش وقتی در جامعه با پوشش متفاوت مواجه می‌شود، گرایش و میل جنسی بیشتری از خود

^۱ - آهنگرکائی مهدی، بررسی رابطه ارزش‌های ازدواج و جهت‌گیری‌های مذهبی با ساختار خانواده، ۱۳۹۲، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده خانواده، صفحه ۴۵.

^۲ محسن، فرمیهنی‌فراهانی، تربیت جنسی با تأکید بر نقش مدرسه، (تهران: مجله رشد معلم، ۱۳۸۷).

بروز می‌دهد و برایش تازگی دارد.^۱ حال آن که عدم ممیزی‌ها و سانسورها و برخی فیلترهای بی‌مورد به مرور غریزه را از حالت کنجکاو به حالت عادی ایجاد کرده و فرد با مواجهه با تصویر ناهنجار واکنشی از خود بروز نمی‌دهد.

هنوز به صورت جدی این سؤال مطرح نشده که چرا نگاه یک جوان ایرانی به یک دختر جوان بیشتر از این که یک نگاه عادی باشد، نگاهی توأم با تحریک و شهوت است؟ حال آن که وقتی زمینه‌های ذهنی، روانی، آموزشهای جامع و آکادمیک و روابط عادی، عقلانی و شرعی از سنین کودکی وجود داشته باشد، عکس‌العمل شخص جوان نیز در این شرایط کاملاً عادی می‌گردد. حال با این وجود و به دلایل مذکور شخص جوان به دلیل عدم کنترل جنسی خود و همراه با دلایل اقتصادی و جامعه‌شناختی رو به رابطه با جنس مخالف می‌آورد و تنها راهکار را هم‌خانگی با جنس مخالف می‌یابد و بدین وسیله زمینه زندگی خارج از چارچوب فراهم می‌گردد.^۲

علل اجتماعی

عوامل اجتماعی فراوانی در شیوع هم‌خانگی وجود دارند، عواملی که قبل از هر چیز زمینه‌های ازدواج شرعی را از بین می‌برند و فرد جوان را به سمت این نوع ازدواج‌های غیر شرعی سوق می‌دهند. معمولاً با پایان تحصیلات در دوره متوسطه، اکثر جوانان وارد دانشگاه می‌گردند و عده‌ای هم به تحصیل خود خاتمه داده و پس از گذران خدمت سربازی وارد محیط کار می‌شوند. در هر دو مورد به اقتضا شرایط اکثر مهاجرت می‌کنند، مهاجرت‌هایی از نوع تحصیلی و شغلی؛ پس از این مهاجرت‌های فردی بدیهی است در اولین اقدام، فرد به فکر سرپناهی برای خود می‌باشد و در اولین گام یک خانه مجردی برای خود تهیه می‌کند و بدین ترتیب زمینه برای افزایش خانه‌های مجردی فراهم می‌گردد، عوامل دیگری مضاف بر موارد مذکور هم در افزایش خانه‌های مجردی در کشور دخیل هستند مانند استقلال طلبی و تعارض‌های نسلی که یک به یک به تشریح هر یک خواهیم پرداخت. مهاجرت‌های تحصیلی و شغلی، استقلال طلبی و تعارضات نسلی از جمله عوامل تأثیرگذار در گرایش به این سبک از زندگی می‌باشد.

۱- مهاجرت تحصیلی

مهاجرت واژه‌ای است برای انواع حرکات جمعیتی بین قلمروها که منجر به تغییر دائم یا نیمه دائم مکان سکونت شود. مهاجرت براساس انگیزه به انواع مختلفی از قبیل مهاجرت تحصیلی، شغلی و... تقسیم می‌شود. نظریه‌های متعددی وجود دارد که سعی نموده‌اند تا رابطه بین مهاجرت و تحصیلات را تبیین کنند. یک نظریه مهاجرت را وسیله‌ای می‌داند که فرد تحصیل کرده بازده دانش و مهارت‌های خود را به حداکثر می‌رساند. افرادی که تحصیلات رسمی دارند معمولاً نسبت به شرایطی که در آن متولد شده‌اند دچار دوگانگی و در پی فرار از آن بر می‌آیند. اکثراً مهاجرت تحصیلی در دوران دانشگاه اتفاق می‌افتد یعنی معمولاً از سن ۱۸ تا ۲۲ سالگی و یا حتی ۲۵ سالگی و تقارن این دوره از سن که معمولاً میزان نشاط و لذت طلبی بیشتری در فرد جوان وجود دارد با فاصله گرفتن از محل زندگی و خانواده و زمینه‌های استقرار در خانه مجردی در این شرایط برای فرد فراهم می‌گردد.^۳

^۱ - محسن، رهامی، تحول و تعدیل در نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران، (تهران: مجله اندیشه‌های حقوقی، ۱۳۸۲)، ص ۷.

^۲ - علی اکبر، ابیض، بررسی مفهوم ازدواج سفید و ریشه‌های شیوع آن در ایران، سایت وکالت، تاریخ انتشار ۱۳۹۳/۱۰/۱۰، تاریخ بازدید ۱۳۹۵/۰۱/۱۷. <http://www.vekalat.org/fa/36798598>

^۳ راهشخو، مریم، رفیعان مجتبی، امینی الهام، ۱۳۹۱، بررسی نقش عوامل اجتماعی و فرهنگی بر مهاجرت دانشجویان ایرانی به خارج از کشور، صفحه ۸۵.

۲- مهاجرت شغلی

مهاجرت شغلی نوعی از مهاجرت است که معمولاً بعد از پایان تحصیلات یا بعد از پایان خدمت سربازی و در جستجوی کار مناسب صورت می گیرد. گاهی فرد مجبور است به دلیل تأمین هزینه ها، کیلومترها دورتر از محل زندگی خود به کار کردن بپردازد و در این شرایط برای خود سرپناهی در نظر خواهد گرفت. گاهی شرایط اقتصادی و اجتماعی فرد به گونه ای رقم می خورد که امکان ازدواج برای فرد تا مدت ها فراهم نیست یا این که فرد قصد ازدواج پیدا نمی کند و یا به دلیل عواملی مثل طلاق و یا فوت همسر دیگر تمایلی به ازدواج ندارد و از طرفی افزایش سن، امکان ادامه زندگی وی با والدین را غیر ممکن می سازد در این صورت بدیهی است که فرد به استقلال فکر می کند و با جدایی از والدین، زندگی فردی و مستقلی برای خود مهیا می کند.^۱

۳- تعارض های نسلی

از دیگر عوامل اجتماعی روی آوردن جوانان به خانه های مجردی، تعارض های نسلی در نتیجه تضعیف بنیان های خانوادگی است. امروزه برخی از جوانان به بهانه آنچه با طرز تفکر سنتی در مقابل طرز فکر مدرن خود می پندارند دچار اختلافاتی با والدین می شوند و گاهی اوقات دامنه این اختلافات فراتر از این می رود و جوان برای رهایی از این مشکل به دنبال استقلال خود بر می آید و زندگی مستقل برای خود مهیا می سازد.

۴- استقلال طلبی

گاهی شرایط اقتصادی و اجتماعی فرد به گونه ای رقم می خورد که امکان ازدواج برای فرد تا مدت ها فراهم نیست یا اینکه فرد قصد ازدواج پیدا نمی کند یا به دلیل عواملی مثل طلاق یا فوت همسر دیگر تمایلی به ازدواج ندارد و از طرفی افزایش سن امکان ادامه زندگی وی با والدین را غیر ممکن می سازد، در این صورت فرد بدیهی است که به استقلال فکر می کند و با جدایی او از والدین زندگی فردی مستقلی برای خود مهیا می کند. به طور کلی با جمیع این شرایط خانه های مجردی افزایش چشم گیری یافته اند و به تبع آن زمینه اولیه ازدواج سفید که همان خانه مجردی برای جوانان است فراهم گردیده است، این مورد را میتوان از عوامل مهم شیوع ازدواج سفید در کشور دانست. البته در عوامل گرایش دختران جوان به ازدواج سفید با پسران باید کمی تفاوت قائل گردید، دختران روحیاتی متفاوت از پسران دارند امروزه از نظر جامعه شناسی کاهش میزان رابطه دختران با والدین، احساس تنهایی و حقارت به سبب آنچه در جامعه تبعیض علیه خود می پندارند و همچنین وجود روحیات لطیف و احساسی تر نسبت به پسر و به تبع آن نیاز به پناهگاهی امن برای ارضای نیازهای عاطفی وجه افتراق گرایش دختران به ازدواج سفید در ایران با پسران است. افزایش تحصیلات دختران و ورود آن ها به عرصه های اجتماعی، به تدریج رابطه دختر و پسر را اسان تر کرده است از طرفی بالا رفتن سن ازدواج خطر تجرد را در کشور افزایش داده است. در کلان شهرها میانگین سن ازدواج بالاتر از دیگر نقاط است.^۲

^۱ - ایراندوست کیومرث، بوچانی محمدحسین، تولایی روح الله، ۱۳۹۲، تحلیل دگرگونی الگوی مهاجرت داخلی کشور با تأکید بر مهاجرت های شهری، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات شهری، شماره ششم، صفحه ۱۱۶.

^۲ - علی اکبر، ابیض، پیشین.

ورود عناصر نوسازی

طیف مفهومی عناصر نوسازی بسیار گسترده است و انواع گوناگونی از مفاهیم را در بر می گیرد. از قبیل ورود رسانه های جهانی مانند ماهواره و اینترنت، افزایش امکانات ارتباطات شخصی و پنهان مانند تلفن همراه، چت، پیامک، افزایش دانشگاه ها و گسترش آموزش مدرن و شهرنشینی و پیدایش فرصت گمنامی در کلان شهرها که تغییرات و تحولات بزرگی در خانواده ها، سبک زندگی و ارتباطات اجتماعی ایجاد کرده است.

در این میان نقش و تأثیر وسایل ارتباط جمعی در مقیاس جهانی، در پیدایش تغییرات اجتماعی از همه بیشتر است. رسانه های جمعی و مجازی باعث انتقال فرهنگ ها و خرده فرهنگ ها در سطح جهان شده با سست کردن ارزش های پیشین و درونی سازی ارزش های نوین، مردم را آماده انجام رفتارهای جدید می کنند.

این رسانه ها، عامل اصلی ارائه فرهنگ جهانی و نسبیت گرایی فرهنگی محسوب می شوند، فرهنگی که در آن ماده گرایی، مصرف گرایی، گسترش نمادهای مصرفی سرگرم کننده و عوام پسند، سکس و خشونت افراطی عرضه می شود که ارزش ها، ثبات و همبستگی ارکان خانواده در شکل سنتی آن و مقوله ازدواج رسمی را در معرض تهدید جدی قرار داده است. وسایل ارتباط جمعی آنچنان به آرامی روابط اجتماعی را تغییر داده اند که بسیاری از افراد این تغییرات و منشاء رسانه ای آن را نمی یابند و صرفاً آن را تغییراتی عادی در زندگی روزمره می دانند اما چیزی فراتر از یک تغییر ساده در حال وقوع است. عبارت دیگر سبک زندگی در حال تغییر است. ماهواره به عنوان یکی از مؤثرترین رسانه های فرا ملی، به رغم ممنوع بودن در کشورها، از حوزه نفوذ بالایی برخوردار است. این رسانه صوتی- تصویری با تنوع و تعدد شبکه های افراد را در دهکده جهانی با فرهنگی واحد تعمیم می دهد. نتیجه این نفوذ فرهنگی، تغییر سبک های زندگی در جهت ارزش های نظام سرمایه داری جهانی است.^۱

با توجه به ماهیت سیاسی و انقلابی نظام جمهوری اسلامی ایران، یکی از خطراتی که در کمین این نظام توسط مخالفان و دشمنان وجود دارد، موضوع تهاجم فرهنگی است که بارها از سوی مسئولین عالی رتبه نظام جمهوری اسلامی ایران مورد ادعا و تأکید قرار گرفته است.^۲

طرفداران نظریه تهاجم فرهنگی معتقدند غرب پس از ناامیدی از دستیابی به خواسته های خود از طریق شیوه های نظامی و سیاسی در راستای مقابله و تضعیف نظام جمهوری اسلامی ایران، با برنامه ریزی و اجرای راهکارهای جدید تهاجم فرهنگی از قبیل ایجاد تزلزل در پایه های اعتقادی و دینی جامعه، تلاش در لیبرالیزه کردن و از بین بردن پایه های خانواده، نابودی اخلاق و... به اضمحلال درونی جامعه و نظام کمر همت بسته است.

آن ها با وارد کردن فیلم های هالیوودی و شبکه های ماهواره ای با رنگ و لعاب زیبا به تخریب بنیان های مذهبی و خانوادگی مشغول شدند، در این فیلم ها زوج ها به طور رسمی با هم ازدواج نمی کنند بلکه با هم در یک خانه زندگی می کنند. شبکه های ماهواره ای با این نوع سریال ها و فیلم ها، خانواده را به تماشای خود کشانده و با این کار تابوی چنین زندگی هایی را در بین والدین شکستند.

خانواده ها با پیگیری شبکه های ماهواره ای در سریال های طولانی وارد بازی کثیف غرب شدند که نتیجه آن گل زدن به دروازه خودی بود. امروزه اگر نگاهی گذرا به سریال های شبکه های ماهواره ای بیندازید متوجه می شوید که مردم به تماشای

^۱ - مجید، کفاشی، بررسی تأثیر اینترنت بر ارزش های خانواده، (تهران: فصلنامه پژوهشی اجتماعی، ۱۳۸۸)، صفحه ۵۶. ۲ بیانات مقام معظم رهبری در دهه ۷۰.

^۲ - خدابخش، احمدی، بررسی رابطه بین اعتقادات دینی و آسیب پذیری فرهنگی خانواده، (تهران: مجله علوم رفتاری، ۱۳۸۶)، صفحه ۸.

موضوعی نشست‌ه اند که خود ناخواسته با آن درگیر شده اند و این موضوع چیزی جز ازدواج سپید نیست. زندگی مشترک زیر یک سقف با عنوان دوست یا هم خانه.

زندگی که بدون عواقب و نگرانی از نداشتن تفاهم و معیارهای آغاز یک زندگی سالم آغاز می شود و نتیجه آن گذراندن ساعت ها، روزها، ماه ها و گاهی سال های خوش در کنار یکدیگر است اما مشکل از آن جایی آغاز می شود که با بروز اولین مشکل، تصمیم به جدایی گرفته می شود و این جا پسران و دختران سر خورده وارد جامعه می شوند و هیچ جایگاه و پشتوانه ای ندارند.

این گونه می شود که نسلی ضعیف و بی آرمان با تغییراتی پوچ و واهی باقی خواهد ماند که زمینه از بین رفتن استقلال کشور را فراهم می کند. این هدف بزرگی است که دشمن ایران با صرف هزینه و حوصله ی زیاد سال ها در پی انجام آن است. از طرفی رواج «کلان شهر نشینی» و زوال مفهوم محله از دیگر نتایج گسترش وسایل ارتباط جمعی و گسترش زندگی به سبک ازدواج سفید است. عواملی که با کاهش کنترل های غیر رسمی بر فرد و افزایش فرصت گمنامی، در میان حجم انبوه جمعیت شهری، زمینه تداوم انواع روابط نامتعارف را فراهم کرده است. در کلان شهرهایی چون تهران به تدریج مفهوم محله در معنای سابق آن از بین رفته و جای خود را به جمع های انسانی فاقد هویت گروهی داده است. در چنین اجتماع هایی، دیگر نه اثری از آبروی محلی مانده است و نه مفهوم همسایگی و کنترل غیر رسمی. از طرفی «بی تفاوتی اجتماعی» افزایش می یابد و حتی پس از سالها همجواری، دو همسایه همدیگر را نمی شناسند. این نکته به ظاهر ساده با ایجاد فضای گمنامی، یکی از بهترین فرصت ها را برای شکل گیری و بروز هم خانگی در کلان شهرها فراهم کرده است. در همین راستا دختران و پسرانی که پیش از این برای حفظ آبرو در سطح محله ارتباط خود را نمایان نمی کردند و جنبه خودکنترلی بر روابط آنها حکمفرما بود، این بار در دل گمنامی شهری دیگر ابایی از ارتباطات نامتعارف خود ندارند. فرآیندی که با پیدایش تکنولوژی های ارتباطی بر پنهان بودن آن نیز افزوده شده است.^۱

۶- تغییرات خانواده

بخش بزرگی از تغییرات خانواده معلول تغییرات فرهنگی و تغییرات اقتصادی در سالهای اخیر بوده است افزایش تحصیلات دختران و ورود آنها به عرصه های اجتماعی به تدریج رابطه دختر و پسر را آسان کرده است. رابطه ای که امروزه به راحتی با تلفن همراه میسر می شود و البته پنهان شدنی است. از طرفی بالا رفتن سن ازدواج در سالهای اخیر و در پی آن افزایش طلاق در خانواده های ایرانی، ریسک ازدواج در ایران را به شدت بالا برده است. جامعه ای با ساختار سنتی که در تبلیغاتش خود را از طلاق بیزار می داند، اما در سطح توده ها شاهد طلاق روزافزون جوانانش است. این تعارض بین واقعیت ها و ارزش ها، فشار روز افزونی به افراد وارد و دوگانگی میان ذهنیت و عینیت شکل می گیرد که به تدریج زمینه های پذیرش الگوهای جایگزین چون همخانگی را در جامعه فراهم می کند. الگوهایی که با تغییرات ارزشی و اقتصادی سالهای اخیر زمینه های رشد بیشتری یافته اند. از طرفی، شکاف نسلی بین والدین و فرزندان، ناشی از تغییرات ارزشی روی داده در سالهای اخیر سبب شده است که کنترل خانواده ها بر ذهنیت و رفتار فرزندان، مشکل شود. امروزه تفاوت در نگرش به نحوه رابطه با جنس مخالف به یکی از اصلی ترین کانون های مناقشه بین نسلی در خانواده های شهری تبدیل شده است. بیشتر این روابط پنهانی و دور از چشم

^۱ - مجید، کفاشی، بررسی تأثیر اینترنت بر ارزش های خانواده، (تهران: فصلنامه پژوهشی اجتماعی، ۱۳۸۸)، صفحه ۵۶. ۲ بیانات مقام معظم رهبری در دهه ۷۰.

والدین شکل می گیرد و تداوم می یابد چرا که بسیاری از فرزندان والدین خود را محرم اسرار جنسی خود نمی دانند. در این بین گروه های دوستی نقش مؤثرتری در رفتار فرد دارند تا خانواده اش.^۱

نتیجه گیری

یافته های تحقیق نشان می دهند که فرآیند جهانی شدن در ابعاد گوناگون اقتصادی، فرهنگی و تکنولوژیکی خود به تدریج و در طول سالیان اخیر زمینه های بروز انواع تغییرات اجتماعی را در حوزه خانواده در جامعه ایرانی ایجاد کرده است. تغییراتی چون افزایش سن ازدواج، افزایش طلاق، شکاف نسلی و همچنین افزایش ورود دختران به عرصه های دانشگاهی و محیط کار و سپس تسهیل روابط دختر و پسر.

نتیجه این تحولات و فرآیندهای جامعه پذیری جهانی سبب شده است که روابط جنسی پیش از ازدواج و هم خانگی در ایران گسترش یابد. روابطی که به تدریج با افزایش یافتن، متکثر و متنوع نیز شده اند. تنوعی از تغییرات که هم خانگی نیز یکی از محصولات آن بوده است. به عبارتی، هم خانگی در ایران ظهور نکرد که وارد شد. الگویی از رابطه که ریشه های عمیق غربی دارد و محصول تغییرات الگوی خانواده در چند دهه گذشته در این کشورها بوده است. هم خانگی امروزه، هرچند در بسیاری از کشورها به الگویی رایج و ثابت در کنار الگوهای پیشین خانواده تبدیل شده است، اما در ایران ویژگی های مناطق دیگر جهان را دارا نیست و به همین سبب، محصول تحولات اجتماعی در حال گذار جامعه ایرانی است. پیدایش شکل ثابت از این الگو و تداوم آن در کنار الگوهای دیگر، زمانی مطرح می شود که هم خانگی از طرف قشر کثیری از افراد جامعه ایرانی پذیرفته شده باشد و از طرفی، در بیش تر نقاط ایران نیز یافت شود در حالی که به نظر نمی رسد روند تحولات سال های اخیر ایران هنوز به این مرحله از تغییرات رسیده باشد. در این میان، پیدایش الگوهای هم خانگی در کلان شهرها و بهره گیری سوژه ها از استراتژی گمنامی و پنهان کاری، خود شاهدهی بر مخالفت توده های جامعه با این الگوهای در حال رشد است، الگوهایی که هر چند شاید سال ها بعد بتوان آن ها را الگوهای رایج و ثابتی در کنار خانواده امروزی تصور کرد، اما همچنان در ایران باید آن ها را الگوهای انحرافی دانست.

از سوی دیگر هم خانگی، پیامدهای اجتماعی و فرهنگی دیگری را نیز برای جامعه به همراه داشته است پیامدهایی که به پیدایش ارزش های جدید فرهنگی و تغییرات اجتماعی در طول سال های اخیر انجامیده است. سیاست های توسعه اقتصادی و اجتماعی و تحولات دیگری چون گسترش حضور و نفوذ ماهواره و اینترنت و امکانات ارتباطی جدید در جامعه سبب شده اند که منابع جامعه پذیری، متکثر شوند و الگوهای هنجاری و ارزش های سنتی، کم تر از گذشته در جامعه تأثیرگذار شوند. از طرفی، گسترش عقلانیت مدرن و نقد دائم سنت بر تسریع و تشدید این تحولات مؤثر بوده است. رشد الگوهای جدید روابط جنسی همچون هم خانگی و گسترش شدید روابط جنسی پیش از ازدواج، روابط جنسی خارج از ازدواج، هم جنس گرایی، و حتی الگوهای جدید روسپی گری، همه محصولات متنوع تفکر مدرن در مغرب زمین بوده است. اگر یک جامعه به میوه های خوب عقلانیت مدرن رضایت دهد، باید منتظر باشد که روزی میوه های تلخ هم بر آن ظاهر شوند.

جامعه ایران امروزه، به صورتی مصنوعی و ناقص، تحت فرآیند مدرنیزه شدن قرار گرفته است و از طرفی فناوری های جدید و مدرن وارداتی هم که با خود ارزش های جدید و ناهماهنگ با نظام اجتماعی موجود را به همراه آورده اند، موجب تحولات سریع در برخی ابعاد جامعه شده اند. تجربه کشورهای دیگر نشان داده است که در نظرنگرفتن تبعات اجتماعی و فرهنگی مدرنیزاسیون و توسعه اقتصادی، نتیجه اش را با تغییرات ساختار اجتماعی در دهه های بعد نشان خواهد داد. اما مدیریت نظام

^۱ خدابخش، احمدی، بررسی رابطه بین اعتقادات دینی و آسیب پذیری فرهنگی خانواده، (تهران: مجله علوم رفتاری، ۱۳۸۶)، صفحه ۱۰.

اجتماعی حاکم در ایران، سرمست از اندک تحولات اقتصادی و نتایج مادی آن و بدون در نظر گرفتن پیامدهای فرهنگی و اجتماعی این تحولات، همچنان پر قدرت بر طبل اجرای این تغییرات می کوبد و نتایج کوتاه مدت اقتصادی را ارج می نهد و پیامدهای بلندمدت اجتماعی آن را در نمی یابد. پیامدهایی که می تواند در آینده ای نه چندان دور ایران را با چالش های مهمی از تنوع مسائل اجتماعی جدید روبه رو کند.

در خصوص جرایم ارتكابی در پدیده هم خانگی جرایمی از قبیل زنا، رابطه نامشروع و... مورد بررسی قرار گرفت همچنین در خصوص جرم انگاری یا عدم جرم انگاری نظرات مختلفی مطرح و بنا به دلایلی همچون اصل حداقل بودن مجازات ورود به حریم خصوصی جرم انگاری مورد پذیرش قرار نگرفت و شایسته است دولت اقداماتی در راستای کاهش این پدیده و افزایش ازدواج آسان و گسترش زمینه های ازدواج موقت فراهم نماید. در پایان جرم هم خانگی می تواند جزء جرایم بدون بزه دیده تلقی و تحت شرایطی اجرای مجازات را منتفی نماید.

- راهکارها و پیشنهادها

در بیان راهکارها این نکته حائز اهمیت است که به جای ندیدن هم خانگی و تکذیب و انکار آن در جامعه بهتر است وجود آن را در جامعه پذیرفته و برای از بین بردن اشکالات آن تمهیدات لازم اندیشیده شود و به جای کوبیدن و تقبیح هم خانگی، آن را هدایت کرده و در جهت بهبود این گذاره خانوادگی بر آییم.

۱- فرهنگ سازی:

اولین اقدام فرهنگ سازی است که می تواند با همکاری صدا و سیما از طریق تشویق افراد به برنامه سازی در راستای تحکیم بنیان خانواده، بررسی مزایا و محاسن ازدواج و... و شورای عالی فضای مجازی از طریق برنامه ریزی دقیق و سیاست گذاری مناسب و ارائه راهکارهای عملی بمنظور کاهش تأثیرات منفی شبکه های اجتماعی بر روی جوانان انجام شود.

۲- ایجاد راهکارهای اقتصادی جهت سهولت در ازدواج:

ازدواج و تجمعات آن با توجه به فرهنگ ایرانی نیازمند توانایی مالی ابتدایی است که دولت ها می توانند با اتخاذ راهکارهایی مانند ایجاد محیط های شغلی که نیازمند تغییرات اساسی در زیرساخت های اقتصادی و فرهنگی کشور و در اولویت قرار دادن سرمایه گذاری روی جوانان توسط دولت است و امکانات مالی مناسب همچون وام ازدواج، تخصیص بخشی از مسکن مهر به دختران و پسرانی که در آغاز زندگی مشترک هستند، نیازهای اولیه جوانان را تخفیف و تعدیل کنند و از روی آوردن به روش های خلاف اخلاق همچون هم خانگی جلوگیری نمایند.

۳- وضع قوانین جهت بومی سازی تحصیل در محل زندگی برای دختران:

تحصیل دختران شهرستانی در کلان شهرها به خودی خود باعث پیدایش تعارضات اخلاقی و در بستر آن سوء استفاده از آنان می شود. پس بهتر است قوانین جدیدی جهت بومی سازی تحصیل و دادن سهمیه به دختران در محل تحصیلشان وضع شود.

۴- آگاه سازی معایب هم خانگی در مدارس و دانشگاهها:

فساد هم خانگی برای مرتکبین آن پیامدهایی در زندگی بعدی شان به همراه خواهد داشت. سازمان ها، ارگان های دولتی، دانشگاهها و مدارس از طریق ارائه برنامه های آموزشی مناسب جهت ایجاد مهارت های ارتباطی میان والدین و فرزندان شان تا والدین ارتباط بهتر، بیشتر و مؤثرتری را با جوانان داشته و نیازهای آنان را درک و پاسخگو باشند. همچنین می توان از طریق انجام مشاوره های فردی و گروهی، اقداماتی در جهت افزایش حس معنویت و دینداری و در واقع پایبندی به ارزش ها و باورهای دینی و فرهنگی و آگاه کردن جوانان از این مدل زندگی مشترک و آسیب های اجتماعی مترتب بر آن اتخاذ نمایند.

۵- بازبینی و تغییر در قوانین خانواده:

ایجاد امکانات عمومی برای افراد جامعه به ویژه افراد بیوه یا مطلقه که در معرض آسیب بیشتری قرار دارند و در آخر با توجه به اینکه عده ای اعتقاد دارند که زندگی خانوادگی در ایران امروز و فردا در حال تغییر است و خانواده ها در حال عبور و گذر از خانواده سنتی گسترده به خانواده هسته ای هستند، به نظر می رسد که جامعه ما نیازمند بازبینی و تغییرات در قوانین مربوط به خانواده بر اساس نقش های تغییر یافته زن و مرد است.

۶- حمایت قانونی از فرزندان حاصل از پدیده هم خانگی:

لازم است کودک حاصل از این زندگی حمایت های کامل تر و همه جانبه داشته باشد. زوجی که زندگی خود را بر اساس توافق های شخصی شروع کرده اند، فرزند آن ها نیازمند حمایت قانونی است. به علاوه حمایت های مالی مصوب برای مادر در این نوع زندگی لازم است. قرآن کریم در مدت شیردهی مخارج مادر کودک را به عهده پدر فرزند گذاشته است.

۷- الگوسازی و ترویج ازدواج موقت:

امروزه در ایران اکثر کارشناسان مسائل خانواده یکی از راه های جلوگیری یا کاهش این نوع ازدواج را ازدواج موقت می دانند، بدیهی است در شرعی بودن این ازدواج و اینکه تا حدود زیادی در جهت رفع نیازهای جنسی افراد بر می آید شکی نیست ولی باید دید اولاً چه میزان از جوانان کشور حاضرند برای رفع نیازهای جنسی خود دامن گیر ازدواج موقت شوند و آیا عرف امروز جامعه ما اجازه می دهد والدین ازدواج موقت فرزندشان را بپذیرند؟ یا به عبارت دیگر واکنش والدین در این صورت چه خواهد بود؟ آیا روحیات یک جوان ایرانی به گونه ای هست که علناً اقدام به ازدواج موقت کند؟ آیا روحیات دختر جوان ایرانی به گونه ای است که به راحتی تن به ازدواج موقت دهد؟ در جامعه ایران ضعف های فرهنگی منجر به پدید آمدن توقعات بی جا و سنت های غلطی در خانواده ها و افراد گردیده است، با این توضیح که هرگاه فردی قصد ازدواج با دیگری را داشته باشد، وجود هرگونه رابطه دوستی یا آشنایی ولو کوتاه مدت و عادی در گذشته فرد باعث امتناع طرفین از ازدواج با طرف مقابل می گردد، بدیهی است در چنین جامعه ای نمی توان توقع داشت فرد با سابقه ولو یک ازدواج موقت، انتظار و اطمینان خاطر برای ازدواج دائم در آینده را داشته باشد. پس راه حل را می بایست در جای دیگری دید.

سیاست گذاری های درست در جهت تبیین جنبه های مثبت ازدواج موقت و آثاری که به همراه دارد و لو این که این عقد به ثبت نرسد، می تواند از آسیب ها و فسادهای گسترده در جامعه جلوگیری کند و به فرصتی برای ازدواج دائم و تشکیل خانواده منجر شود. متأسفانه استفاده های نادرست و نابجا از این پدیده منجر به ایجاد افکار منفی و واکنش های شدید نسبت به این نهاد شده است به گونه ای که عده ای آنرا فحشای اسلامی نامیده اند.

اقدامات رسانه ها و نظام آموزشی در تعریف درست ازدواج موقت و کارکردهای آن می تواند زمینه های گسترش این پدیده و کاهش هم خانگی را فراهم کند.

۸- وضع قوانین جدید پیرامون مدیریت ساختمان ها:

فساد هم خانگی، فسادى است که در یک مکان امن که عموماً خانه یا آپارتمان می باشد، میسر می شود. با توجه به نوع مناطقی که این فساد در آن رو به توسعه است و مکان هایی که این جرم در آن محقق می شود، امکان پذیر بودن شناسایی و کنترل این مکان ها مزیتی جهت مهار این بحران اخلاقی محسوب می گردد. در حقیقت با وضع مجموعه قوانین آپارتمان نشینی پیرامون پیگیری وضعیت تأهل زوجین توسط مدیریت ساختمان ها قبل از اسکان می توان سد بزرگی روبروی این بحران در حال ظهور قرار داد.

منابع و مآخذ

۱. ایبض، علی اکبر، بررسی مفهوم ازدواج سفید و ریشه های شیوع آن در ایران، سایت وکالت، تاریخ انتشار ۱۳۹۳/۱۰/۱۰، تاریخ بازدید ۱۳۹۵/۰۱/۱۷ <http://www.vekalat.org/fa/36798598>
۲. احمدی، خدابخش، بررسی رابطه بین اعتقادات دینی و آسیب پذیری فرهنگی خانواده، (تهران: مجله علوم رفتاری، ۱۳۸۶)
۳. ازدواج سفید یا ازدواج روی هوا، سایت فارس نیوز، تاریخ انتشار ۱۳۹۳/۰۷/۰۷، تاریخ بازدید ۱۳۹۴/۱۰/۲۸ <http://www.farsnews.com/printable.php?nn=13930707001090>
۴. آهنگرکانی مهدی، بررسی رابطه ارزش های ازدواج و جهت گیری های مذهبی با ساختار خانواده، ۱۳۹۲، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده خانواده، صفحه ۴۵.
۵. ایراندوست کیومرث، بوچانی محمدحسین، تولایی روح الله، ۱۳۹۲، تحلیل دگرگونی الگوی مهاجرت داخلی کشور با تأکید بر مهاجرت های شهری، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات شهری، شماره ششم، صفحه ۱۱۶.
۶. تجمل‌گرایی بزرگترین مانع ازدواج آسان، پایگاه اطلاع رسانی مشرق نیوز، تاریخ انتشار ۱۳۹۵/۰۵/۳۱، تاریخ بازدید ۱۳۹۵/۰۶/۰۶ <http://www.mashregnews.ir/fa/news/620931>
۷. تعداد بیکاران لیسانس ۱۰ برابر زیر دیپلم ها، مصاحبه با وزیر رفاه، کار و امور اجتماعی (عبدالرضا شیخ الاسلامی)، سایت تابناک، تاریخ انتشار ۱۳۹۱/۰۲/۲۵، تاریخ بازدید ۱۳۹۴/۱۱/۲۳.
۸. خوارزمی، حنانه، هم باشی های ایرانی سایت مهرخانه، سال انتشار ۱۳۹۴، تاریخ بازدید ۱۳۹۵/۰۲/۰۹ <http://mehrkhaneh.com/fa/news/17806>
۹. راهشخو، مریم، رفیعیان مجتبی، امینی الهام، ۱۳۹۱، بررسی نقش عوامل اجتماعی و فرهنگی بر مهاجرت دانشجویان ایرانی به خارج از کشور، صفحه ۸۵.
۱۰. راین، کرایب، ترجمه عباس مخبر، جامعه شناسی مدرن از پارسونز تا هابرماس، (تهران: نشر آگاه، ۱۳۷۸)، صفحه ۹۲.
۱۱. رفیع پور. فرامرز، ۱۳۷۸، آنومی یا آشفتگی های اجتماعی: پژوهشی درباره پتانسیل آنومی، تهران، انتشارات سروش.
۱۲. رهامی، محسن، تحول و تعدیل در نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران، (تهران: مجله اندیشه های حقوقی، ۱۳۸۲)، ص ۷.
۱۳. ساروخانی، باقر، (۱۳۷۵). مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده، تهران، انتشارات سروش، صفحه ۲۵.
۱۴. سفیدگران، غلامحسین، مسائل و مشکلات زنان، اولویت ها و رویکردها، (تهران: ناشر دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۰)، صفحات ۶۳۲ و ۶۳۳.
۱۵. سید بنایی، سید باقر، بررسی نکاح معاطاتی از منظر فقه و حقوق موضوعه، (تهران: فصلنامه تخصصی فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۱۳۹۰)، صفحات ۸۷ - ۱۱۳.
۱۶. صادقی تهرانی، محمد، رساله توضیح المسائل نوین، (تهران: انتشارات امید فردا، ۱۳۸۴)، صفحه ۱۸۱.
۱۷. صادقی، سهیلا، فسایی، سمیرا، کلهر، ابعاد شکاف جنسیتی و میزان تحقق کاهش آن در برنامه سوم توسعه، (تهران: مجله پژوهش زنان، ۱۳۸۶)، صفحات ۱۳-۱۸.
۱۸. طرح امنیت اجتماعی نیروی انتظامی برای سازماندهی خانه های مجردی در مرکز شهر تهران، سایت فرارو، تاریخ انتشار ۱۳۹۸/۰۲/۱۱، تاریخ بازدید ۱۳۹۴/۱۰/۱۷.

۱۹. فرمیپنی فراهانی، محسن، تربیت جنسی با تأکید بر نقش مدرسه، (تهران: مجله رشد معلم، ۱۳۸۷)..
۲۰. قاسم زاده، سید مرتضی، تعدیل مهریه، (تهران: دیدگاه های حقوق قضایی، ۱۳۹۳)، صفحه ۱۸.
۲۱. کریمیان نادر، سالاری سمانه، ملککاری بختیار، ۱۳۹۴، رابطه هم خانگی در ایران بررسی کیفی علل و انگیزه های گرایش به آن، صفحه ۱۸۰.
۲۲. کفاشی، مجید، بررسی تأثیر اینترنت بر ارزش های خانواده، (تهران: فصلنامه پژوهشی اجتماعی، ۱۳۹۸)، صفحه ۵۶.
۲۳. بیانات مقام معظم رهبری در دهه ۷۰.
۲۴. کوثری، مسعود، نظریه های آنومی اجتماعی، تهران، (تهران: نشر سلمان، ۱۳۸۶)، صفحه ۸.
۲۵. مسعود، چلیپی، جامعه شناسی نظم، (تهران: انتشارات نی، ۱۳۷۵).
۲۶. گرمارودی و دیگران، غلامرضا، پیشین، صفحات ۱۴-۱۸.
۲۷. آزاد ارمکی. تقی، شریفی ساعی. محمد حسین، ایثاری. مریم، طالبی. سحر، ۱۳۹۱، هم خانگی، پیدایش شکل های جدید خانواده در تهران، دو فصلنامه جامعه پژوهی فرهنگی، پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال سوم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۱.
۲۸. گیدنز، آنتونی، ترجمه محسن ثالثی، پیامدهای مدرنیست، (تهران: نشر تهران مرکز، ۱۳۹۰).
۲۹. گیدنز، آنتونی، کارن، بردسال، ترجمه حسن چاوشیان، جامعه شناسی گیدنز، (تهران: نشر نی، ۱۳۸۶).
۳۰. لطیفی نیا، حسین، ۱۳۹۸، اثربخشی درمان حل مسئله در کاهش شدت افسردگی دانشجویان، مجله پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز، دوره سی و یکم، شماره ۴.
۳۱. مجید، کفاشی، بررسی تأثیر اینترنت بر ارزش های خانواده، (تهران: فصلنامه پژوهشی اجتماعی، ۱۳۹۸)، صفحه ۵۶.
۳۲. بیانات مقام معظم رهبری در دهه ۷۰.
۳۳. مصاحبه با معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی (حبیب الله مسعودی فرید)، پایگاه خبری ایسنا، تاریخ انتشار ۱۳۹۴، تاریخ بازدید ۱۳۹۵/۰۱/۲۱ <http://www.isna.ir/news/95050111328>.
۳۴. مصاحبه با نماینده مجلس شورای اسلامی (محمد نصیرپور)، سایت خبری ایلنا، تاریخ انتشار ۱۳۹۳، تاریخ بازدید <http://www.ilna.ir/fa/news/24575.1394/12/14>.
۳۵. مهدیه، مهسا، سیدان، فریبا، تحلیل جنسیتی روابط هم خانگی مشترک در زنان و مردان ایرانی (زوج های ایرانی)، (تهران: مؤسسه سفیران فرهنگ مبین، ۱۳۹۴)، صفحه ۷۵-۷۶.
۳۶. میزان بیکاری در کل کشور بیش از ۲۴ درصد است (مصاحبه با دبیرکل خانه کارگر علیرضا محجوب) سایت تی نیوز، تاریخ انتشار ۱۳۹۵/۰۲/۰۶، تاریخ بازدید ۱۳۹۵/۱۴/۱۹ <http://tnews.ir/news/c3be61647752.html>.
۳۷. نرخ بیکاری سال ۹۴ اعلام شد (گزارش نتایج مرکز آمار)، سایت تابناک، تاریخ انتشار ۱۳۹۵/۰۱/۱۸، تاریخ بازدید <http://www.tabnak.ir/fa/news/578764.1394/11/13>.

منابع لاتین

38. Bliss, A. J. (1983). Dictionary of foreign words and phrases in current English. Routledge & Kegan Paul
39. Ayto, John. Euphemisms. London. Bloomsbury. 1998

40. Pla, A. & C. Beaumel (2010). 'Bilan démographique 2009: Deux Pacs Pour Trois Mariages ', Insee Première, No. 1276.
41. Premarital Sex in America: How Young Americans Meet, Mate, and Think about.(2011) Carr, D
42. Laduke, A. (2006). Living Through the Sexual Revolution, London: Greenhaven Press
43. Ghuman, S. H., V. M. Loi, V.T. Huy, and J. Knodel (2006). 'Continuity and Change in Premarital. Sex in Vietnam', Journal of International Family planning Perspectives, Vol. 32, No. 4.
44. Thornton, A., G. William, W. G. Axinn and, Y. Xie (2007). Marriage and Cohabitation, Chicago: The University of Chicago Press.
45. Bumpass, L. and H. H. Lu (2000). 'Trends in Cohabitation and Implications for Children's Family Contexts in the United States', Population Studies, Vol. 54, No. 1.
46. Seltzer, J. A. (2000). 'Families Formed Outside of Marriage', Journal of Marriage and the Family, Vol. 62, No. 4.
47. Sardon, J. P. and G. D. Robertson (2004). 'Recent Demographic Trends in the Developed Countries', Population (English Edition), Vol. 59, No. 2.
48. Bourdais, C. L. and A. E. Lapierre (2004). 'Changes in Conjugal Life in Canada: Is Cohabitation Progressively Replacing Marriage?', Journal of Marriage and Family, Vol. 66, No. 4.
49. Hewitt, B. and D. De Vaus (2009). 'Change in the Association Between Premarital Cohabitation and Separation, Australia 1945-2000', Journal of Marriage and Family, Vol. 71.
50. Kiernan, K. (2001). 'The Rise of Cohabitation and Childbearing Outside Marriage in Western Europe', International Journal of Law, Policy and the Family, Vol. 15, No. 1.
51. Nave-Herz, R. (2000). 'Historischer und Zeitgeschichtlicher Wandel im Phasenablaufprozess von der Partnerfindung bis zur Eheschliesung', Zeitschrift fur Soziologie der Erziehung und Sozialisation, Vol. 20, No. 3.
52. Merton. Robert. (1938), Social stracture and anomic", American sociological Review, 3(5): 612-632.
53. Carmichael, G. A. (1995). 'Consensual Partnering in the More Developed Countries', Journal of the Australien Population Association, Vol. 12, No. 1.
54. ¹- Merton. Robertk. (1938), So Cial stracture and anomic", American sociological Review, 3(5): 612-632.

Criminological Analysis of White Marriage in the Iranian Penal System

Kiana Asadi¹, Arsalan Koosha²

1-Master's Degree in Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Noorabad Branch, Momsani, Iran

2-Assistant Professor and Faculty of Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Noorabad Branch, Momsani, Iran

Abstract:

Background and Objective: The present study was conducted with the aim of analyzing the criminology of white marriage in the Iranian penal system. White marriage is defined as adultery in the Iranian penal system and is accompanied by severe punishments. This phenomenon, which refers to coexistence without a religious or legal contract, from a criminological perspective indicates a conflict between religious laws and socio-economic realities. **Findings:** White marriage has been considered as a social and cultural phenomenon in Iran in recent years. This type of marriage, which has its roots in Western societies, is carried out in the form of coexistence without the intention of marriage and outside the religious and legal framework. In this type of relationship, the parties do not believe in religious and legal marriage, and the rules and conditions of proper marriage are not observed. **Results:** From a criminological perspective, white marriage is considered a criminal phenomenon that can undermine the mental and psychological security of citizens. This phenomenon occurs indirectly and in the lower layers of society and has become common in recent years, especially among educated people. In the legal study of white marriage, we come across many points, including forgery, adultery, illegitimate children, and crimes against chastity, which have specific laws in the Islamic Penal Code. White marriage, as a criminal phenomenon in the Iranian penal system, can seriously threaten the mental and psychological security of society. By understanding the factors that lead to this phenomenon and adopting appropriate strategies to prevent it, we can help reduce this type of relationship. Ultimately, supporting formal marriage and promoting religious and cultural values in society can lead to the formation of healthy and stable families.

Keywords: Criminology, White Marriage, Cohabitation, Iranian Penal System
